

تاریخ معماری منظر

پیشینه بحث Landscape Architecture

تخصصی به این نام نخستین بار و با بینان‌گذاری انجمن آمریکایی معماران منظر در آمریکا شکل گرفت، بنابراین، پیشینه این حرفه با ویژگی‌های خاصی که آن را از باغبان‌سازی Gardening و طراحی فضای سبز landscape design متمایز می‌کند و نهایتاً به یک رشته تخصصی دانشگاهی تبدیل می‌نماید به حدود یکصد سال پیش آمریکا می‌رسد.

دنیای جدید، سرعت رشد و توسعه در قرن ۲۰ و ۱۹

با کشف دنیای جدید - قاره آمریکا - پس از پیشرفت‌های دریانوردی و علمی دوره رنسانس که جستجوهای استعماری (colonial) را برانگیخته بود، موج مهاجرت ملل اروپایی به این قاره آغاز شد. وسعت سرزمین، تنوع اقلیمی و غنای منابع طبیعی، باعث جذب جمعیت بیش‌تر و منکوب کردن بومیان و بهره‌برداری‌های گسترده در این قاره شد. در ۱۸۰۰ جمعیت آمریکا به طور پراکنده بالغ بر ۵ میلیون نفر می‌شد که در سرزمین‌هایی به وسعت کم‌تر از یک میلیون مایل مربع زندگی می‌کردند، در ۱۹۰۰، جمعیت نزدیک به ۷۵ میلیون رسید که تقریباً سه میلیون مایع مربع را اشغال کرده بودند (افزایش جمعیت + افزایش تراکم).

در این زمان به علت وسعت و تنوع و غنای سرزمین، صنعت و حمل و نقل ریلی - به دنبال تجربیات انقلاب صنعتی میراث دنیای قدیم Old World یا اروپا - به سرعت رشد می‌کرد و کشاورزی در پناه سنت برده‌داری دنیای جدید New World ثروت فراوانی به بار می‌آورد. در سرزمین‌های جنوبی برده‌داری و تولید پنبه صنعت نساجی انگلستان را که آمریکا هنوز تحت‌الحمایه آن بود تأمین می‌کرد.

طلا نیز منبع دیگر ثروت بود، پس از غارت طلاهای تمدن‌های بومی توسط فاتحان اسپانیایی، انگلیسی و هلندی و محو آن تمدن‌ها و فرهنگ و هنرشان از عرصه گیتی، پیشگامان مهاجرت به این قاره باز هم به دنبال طلا، بقایای بومیان منطقه را که سرخپوستان چادرنشین بودند از سرزمین‌هایشان می‌رانند و به تدریج به سوی غرب پیش می‌رفتند. حرکت به سوی غرب به دنبال طلا (Gold rosh) زمینه فاح سرزمین‌های غربی را فراهم ساخت تا این‌که در ۱۸۴۸ کالفرنیا اشغال شد این در حالی است که فاصله پاتیخت یعنی واشنگتن تا سانفرانسیسکو، ۲۵۰۰ مایل است. (وسعت سرزمین).

در این سرزمین گسترده در قرن نوزدهم فقط چند شهر بزرگ و مهم وجود دارد. بندر نیویورک که دروازه ورود مهاجران به مرکز اقتصادی و ثروت آمریکا در آغاز مسیر حرکت مهاجران به غرب بود و در میانه راه در منطقه Mid West و در محل تلاقی راه‌های آبی و خشکی به سوی شکارگاه‌های سرد و غنی شمالی (کانادا) در کنار دریاچه میشیگان شهر کوچک تجاری شیکاگو بنیان گذاشته شده بود. این شهر پس از عبور راه‌آهن غرب از کنار آن، به شدت رشد کرد و شکوفا شد و انتهای مسیر حرکت مهاجران

شهر سانفرانسیسکو بود که هنوز نمی‌توانست با نیویورک و شیکاگو رقابت کند. بدین ترتیب شاهد مهم‌ترین و قدیمی‌ترین اقدامات معماری، شهرسازی و طراحی منظر در نیویورک و شیکاگو هستیم.

مهاجران به این قاره از ملیت‌های مختلف ایالات خود مختاری را در آن تأسیس کردند و در تب و تاب دست‌اندازی به سرزمین‌ها و تقسیم ثروت به کمک ابزار سریع نقشه‌کشی، سرزمین‌ها و شهرها را بر روی میز نقشه‌کشی به کمک خط‌کش و گونیا (براساس امتدادهای طول عرض جغرافیایی) شبکه‌بندی می‌کردند و توجهی به توپوگرافی و مرزهای طبیعی نداشتند.

این سرزمین‌های گسترده به اشغال در آمده با انقلاب آمریکا (جنگ‌های استقلال ۱۷۷۶ تا ۱۷۸۳) و نیز بهره‌برداری‌های بی‌رویه، دچار تخریب می‌شد، در (۱۸۶۱ - ۱۸۶۵) جنگ شمال و جنوب اتفاق افتاد که آن هم خسارات زیادی به مزارع پنبه و سایر سرزمین‌های جنوب و شمال وارد آورد.

در آمریکا، هجوم و اشتیاق روز افزون برای دست‌اندازی به منابع مادی و کسب ثروت جایی برای توجه به مسائل فرهنگی و هنر باقی نگذاشته بود، اما در ۱۹۰۰ حداقل برای حکومت روشن شد که بهره‌برداری‌های بی‌رویه باعث تخریب و هدر رفتن منابع طبیعی می‌شود و به تدریج توجهات در این زمینه صورت گرفت. ساخت و سازهای معماری در مقیاس قابل توجه و با تکنیک‌ها و ایده‌های نو در شیکاگو بینان‌گذاری شد که شایسته موقعیت پیش رونده و اقتصاد پویای دنیای جدید بود و میراث ارزنده معماری مکتب شیکاگو را در تاریخ هنر و معماری جهان برجای گذاشت و تأثیرات آن البته به نیویورک هم رسید. اما در حالی که در این زمان اروپا که می‌خواست از واپس‌گرایی‌های کلاسیسیسم و اکلکتیسم در هنر و معماری خود را خلاص کند و معماران خردگرایه چشم‌تجسین به دستاوردهای معماری مکتب شیکاگو می‌نگریستند، در سایر نقاط آمریکا تأثیرات کلاسیک‌گرایی اروپایی به عنوان یک گرایش به فرهنگ‌سازی جعلی ظاهر می‌شد. آنچه که آنرا هنر می‌نامیم و نیز معماری به صورت میراث استعماری رنسانس هلندی و انگلیسی همچون سایر واردات به صورت عمده، به آمریکا وارد می‌شد و به ویژه ناحیه کشاورزی ثروتمند جنوب میراث پر طمطراق قرن هیجدهم اروپا را تقلید می‌کرد.

تامس جفرسن و تأثیرات فرهنگی او

جفرسن که در ۱۸۰۱ تا ۱۸۰۹ رئیس جمهور آمریکا و قبل از آن سفیر کبیر در فرانسه بود، شخصی سفر کرده و دنیا دیده و با فرهنگ بود که در دوران اقامتش در پاریس شیفته معماری کلاسیک‌گرای قرن نوزدهم اروپا شد، اما این علاقه او در یک روند غیر تقلیدی براساس جنبه‌های منطقی در مجموعه کارهای معماری و طراحی‌های منظر به اجرا درآمد. او که بسیار علاقمند به استفاده از طراحی منظر در جوار معماری بود، مجدانه کوشید و هنر طراحی منظر ملی را که تحت تأثیر و تلفیقی آگاهانه از طراحی منظر فرانسوی و انگلیسی بود در آمریکا پایه‌ریزی کرد.

از یک سو، گرایش تجسین‌آمیز او نسبت به ورسای، باعث شد تا شخص لانفان L'Enfant را که یک معمار فرانسوی بود برای طراحی شهر واشینگتن به عنوان پایتخت آمریکا انتخاب کند. در این طرح (۱۷۹۱)، شصت سال پیش از طرح هوسمان) سعی شده بود ایده‌های مناظر و مزایای باروک وارد شود که به علت ابعاد بی‌نهایت بزرگ شهر این ایده‌ها فقط روی کاغذ ملموس است.

و از سوی دیگر تأثیرات انگلیس در او که ناشی از کارهای Repton - نگاه کنید به کارهای همفری رپتون در انگلستان از جمله کاخ غرفه سلطنتی برایتون در کتاب فضا، زمان و معماری - بود، در طراحی‌های معماری منظر ای - جی - داوونینگ (A.J.Downing) (۱۸۱۵ - ۵۲) ظاهر شد وی نهایتاً پروژه را که طراحی رشته‌ای از پارک‌ها و نخستین آن‌ها سنترال پارک نیویورک (۱۸۵۷) بود به فردریک لاوالمسند (Frederick Law Olmsted, ۱۸۲۲-۱۹۰۳) سپرد او نیز در سال ۱۸۹۹ «جامعه آمریکایی معماری منظر» - American Society of Landscape Architects - را بنیان گذاشت و به این ترتیب آینده این حرفه را تضمین کرد (۹۰ سال پس از پایان ریاست جمهوری جفرسن).

از این رو آمریکا در می‌توان زادگاه و المسند را پدر رشته تخصصی معماری منظر نامید.

تامس جفرسن و فردریک المسند دو شخصیت برجسته تأثیر گذار در طراحی منظر هستند. جفرسن یکی از آخرین اوماتیست‌های سنت رنسانسی است - از آزادیخواهان و روشنفکران و سیاستمداران زمانه بود که تحت تأثیر انقلاب فرانسه و هنر و معماری اروپا

بود - که کوشید تا بیانی از المسند مدرن را از طریق واسطه‌ای چون نو کلاسیک‌گرایی Neo-classicism فرانسوی و پالادیوگرایی Palladianism رایج شده در میان اشراف انگلیسی و نهایتاً عظمت معماری کلاسیک روم باستان در آمریکا پیاده کند. توجه زیاد جفرسن به باغسازی اروپایی را از دفترچه راهنمای سفری که برای آمریکا بیان راهی اروپا تنظیم کرده می‌توان دریافت، وی در این دفترچه مواردی از کشاورزی و صنعت تا هنر و معماری اروپا را معرفی و در مورد باغسازی می‌نویسد:

«برای یک آمریکایی به خصوص ارزش توجه دقیق را دارد.»

آخرین کار جفرسن، پردیس (campus) دانشگاه ویرجینیا است که یک شاهکار منظرپردازی هندسی و مونوماننتال کلاسیک است که ویژگی جمع‌گرای آموزش را با روحیه فردگرایی زمانه تلفیق می‌کند و نمادی از یک کشور دموکراتیک و بیانگر اهمیت و رابطه طراحی منظر با معماری است.

باید در نظر داشت، جفرسن که حتی برنامه‌داری درسی دانشگاه را هم نوشته بود، مردی در سطحی از فهم و دیدگاهی جهانی و ماورای یک متخصص حرفه‌ای بود. (۱۸۰۱ تا ۱۸۰۹ در مقام ریاست جمهور آمریکا)

المسند (۱۸۲۲ تا ۱۹۰۳)

از سوی دیگر المسند یک متخصص حرفه‌ای بود که به تنهایی سفرهای زیادی به اروپا برای مطالعه پارک‌های عمومی کرده بود. - پیشینه پارک‌سازی برای عموم را در اروپای بعد از انقلاب صنعتی قرن ۱۹ بررسی خواهیم کرد.)

جفرسن به عنوان یک اهل دانش و تحقیق، محیطی امن و آرام مناسب تأمل و تعالی contemplation را طراحی کرده بود اما المسند نزدیک به یک قرن بعد، به عنوان یک طراحی منظر، مفر از زندگی شهری را برای مردم را طراحی می‌کرد. وی گرچه با تعداد معدودی از همکاران و شاگردانش مانند چارلز الیوت (۱۸۵۹ - ۹۷) کار می‌کرد، اما تقریباً دیدگاه شخصی او بود که ملت آمریکا را از چارچوب ایده پارک‌های شهری منزوی - که در اروپا رایج شده بود - به نوعی طرح یکپارچه منظر در سطح شهر و حتی سرزمین هدایت کرد.

طراحی منظر (منظره‌پردازی)

پیشگام این حرفه المسند و همکار انگلیسی‌اش کالورت واکس Calvert Vanx بودند. که پیشرفت و تکامل کار آن‌ها را می‌توان به پنج مرحله تقسیم کرد:

- ۱- سنترال پارک نیویورک / ۱۸۵۷.
- ۲- پراسپکت پارک بروکلین / ۱۸۶۶.
- ۳- ریورساید شیکاگو / ۱۸۶۹.
- ۴- پارک وی‌بوستون / ۱۸۸۰.
- ۵- نمایشگاه جهانی کلمبیایی شیکاگو / ۱۸۹۳.

نکته بسیار مهم در این مجموعه کارها این است که اولاً آن‌ها را می‌توان به علت پیوند منطقی که از نظر کانسپت‌های طراحی دارند به عنوان یک مجموعه در نظر گرفت و ثانیاً این مجموعه نه تنها تکرار یک ایده نیستند بلکه یک فرآیند پیش رونده و متحول شونده در کل کانسپت معماری منظر آمریکایی محسوب می‌شوند.

سنترال پارک یک کانسپت جدید

اهمیت این پارک از این جهت است که معرف یک تصور (کانسپت) جدید در طراحی منظر شهری است: «یک نگاه از شهر به درون پارک» تمامی خیابان‌های اطراف که عمود به اضلاع پارک‌اند گویی به درون این پارک عظیم منتهی می‌شوند و آسمان‌خراش‌های پیرامونی گویی به پارک چشم دوخته‌اند اما در عین حال پارک استقلال خود را دارد و در میان خرد فضاهای درون پارک احساس یک مقرّ از این آسمان‌خراش‌های متعدد و خیابان‌های پرازدحام وجود دارد. نکته حائز اهمیت دیگر در

طراحی این پارک این است که علی‌رغم وسعت بسیار زیاد آن به کمک فضاها و عناصر کوچک و بزرگ متنوعی پارک و مقیاس‌های تعریف شده در آمده است.

در این پارک برخی تکنیک‌های جدید طراحی - که در شهرسازی هم مورد استفاده دارند. ابداع شدند، از آن جمله زیرگذرهایی است که در چهارراه‌های اصلی پارک اجرا شده‌اند. بقای مخزن آب قدیمی و ایجاد مخزن جدید آب در پارک به صورت یک دریاچه عظیم نیز یک ابداع است. فرم‌های ارگانیک در محدوده مستطیل شکل کشیده پارک که چند بلوک شهری نیویورک را در برمی‌گیرد حاکی از توجه المسند به جنبه‌های طبیعت‌گرای طرح، علی‌رغم شبکه شطرنجی شهر است.

پختگی طرح در پراسپکت پارک

تداوم ایده‌های طراحی در سنترال پارک را در پراسپکت پارک بروکلین (نیویورک) ملاحظه می‌کنیم، طراحی ارگانیک شامل چمنزارها، دریاچه‌ها، درختزارها، بیشه‌ها، نهرها و جویبارها و پل‌ها و ... به علاوه فضای بزرگی برای گرد هم آیی پیاده‌ها و میدان بزرگ‌تری برای توقف کالسکه‌ها یک محیط شهری مطبوع را هم برای فعالیت‌های فردی و هم جمعی فراهم می‌کند. میدان‌های شهری در محل ورودی‌های پارک که هر یک به صورت یک منظر مستقل طراحی شده‌اند حلقه اتصال فضای شهری به فضای پارک‌اند، این همه نمایشگر بسط و تکامل ایده سنترال پارک و حاکی از پختگی طرح هستند.

یکپارچگی و وحدت طرح در این پارک حائز اهمیت است و از نظر آکادمیکی یک ویژگی کلاسیک محسوب می‌شود. در این جا نیز دو ضلع از پارک به خیابان‌های شهری که به آن‌ها عمودند همان حس نگاه به درون در طراحی را برقرار کرده است.

جدائیت طرح در ریورساید

ایجاد مقری برای زندگی شهری و نفوذ منظر به محیط شهری که ایده اصلی المسند و نظریه خاص او در طراحی پارک‌ها بود، در کارهای وی به تدریج چشم‌گیرتر می‌شود. در طرح منطقه ریورساید شیکاگو، بسط نظریه طراحی پارک‌ها به سطح زندگی عادی مد نظر بوده است، طرح ریورساید بسط یک پارک به کل محدوده شهری است - بیش از سی سال قبل از طرح شهر صنعتی گاریته و ایده پارک - شهر در آن طرح - که یکی از نخستین اقدامات برای شکستن شبکه‌بندی خشک در طراحی شهری آمریکایی محسوب می‌شود. نظر یک معمار راجع به این طرح چنین است:

«در بزرگ‌راه‌ها دیگر سرعت اهمیت کم‌تری نسبت به بحث سهولت و راحتی حرکت خواهد داشت هم‌چنین است در خیابان‌های شهری، معمولاً مسیرهای مستقیم در خیابان‌های شهری فقط مشوق حرکت به سوی جلو هستند بدون نگاه کردن به اطراف، اما ما باید در طرح‌های خود با به کار بردن خطوط لطیف منحنی و حذف گوشه‌های تیز و ارائه فضاهای گشاده، جنبه‌های مفرح، آرامش‌بخش و تأمل برانگیز را در فضای شهری ارائه دهیم».

پارک وی بوستون، تداوم بحث نفوذ پارک‌ها و سطح زندگی عادی

بوستون و شیکاگو در ۱۸۹۳ - سال نمایشگاه جهانی شیکاگو - هر دو شاهد اقداماتی بودند تا براساس کانسپتی واحد که مجموعه محوطه‌های مفرح کاملی را در درون یک شهر اصلی مطرح می‌کرد سازمان‌دهی شوند. به دنبال این اقدامات طرح «نظام پارک شهری بوستون» The Metropolitan Park System of Boston با پیشنهاد المسند جهت تبدیل ناحیه باطلای Back Bay به یک پارک عمومی آغاز شد.

با ساختن پارک فرانکلین (۱۸۸۴) ایده ساخت یک رشته پیوسته از پارک‌ها و فضای سبز و مسیرهای عبوری که آن را به منطقه کامون (Common) در بوستون متصل می‌کردند، شکل گرفت. این مسیر سبز به «پارک وی» المسند معروف شد - برای مطالعه کانسپت پارک وی‌ها به فضا زمان و معماری / ص ۶۴۴ تا ۶۵۰ مراجعه کنید - پس از انتشار این طرح در ۱۸۸۴ بسط و تکمیل این فکر تحت نظر شریک جدید المسند، چارلز لیوت، ادامه یافت. بعدها این پارک وی تنها به قطعه‌ای از منطقه شهر بوستون بزرگ تبدیل شد.

نمایشگاه جهانی شیکاگو

یک تیم کامل از همه حوزه‌های هنر تحت سرپرستی المسند در ۱۸۹۳ برای ساخت نمایشگاه جهانی شیکاگو فعالیت می‌کردند. المسند یک ناحیه بکر را در کنار دریاچه برای محل نمایشگاه انتخاب کرد و سپس به همراهی معماران معروف مکتب شیکاگو، برنهام و روت (Burnham & Root) به طراحی پرداخت. این زمین بخشی از طرح پارک جنوبی شیکاگو بود که المسند آن را در ۱۸۷۱ به همراهی واکس طراحی کرده بود و فقط بخشی از آن اجرا شده بود. این نمایشگاه که جلب نظر جامعه را کرد از نظر معماری یک عقبگرد بود و به نظر می‌رسید که در طراحی آن یک مصالحه ضعیف بین کلاسیک‌گرایی و رمانتیک‌گرایی اتفاق افتاده است. - علی‌رغم پیشگامی مکتب معماری شیکاگو در جنبش مدرن - معماری این نمایشگاه نمونه‌ای بود از گرایشی که آمریکاییان به تقلید از سبک‌های رو به منسوخ شدن در اروپا داشتند، روبرو شده بودند، در آمریکا در قالب یک جنبش وارداتی ظاهر می‌شوند و با توجه به امتیازات معماری مکتب شیکاگو این امر نوعی عقبگرد به حساب می‌آید، ولی همین تفکرات کلاسیک‌گرایانه و رمانتیک‌وارداتی، تأثیرات مثبتی در طراحی منظر در آمریکا که به پشتوانه یک تفکر درست و بر اثر نیازهای جدید پدیدار شده بود دارند. تیم کاری نمایشگاه شیکاگو، بعداً «مال [مرکز خرید] بزرگ واشینگتن» را خلق کردند.

نگاهی به اروپا در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ و ۲۰

ورسای اوج یک نظام طراحی منظر، معماری و شهرسازی اروپا است که در قرن هجدهم پدید آمد. ساختن قصر ورسای در مقیاسی عظیم در دوران سلطنت لویی چهاردهم نمادی از قدرت سلطنت و بسط دیدگاه‌های هنری دوران رنسانس است که منجر به یک دوره هنری مستقل هنری به ویژه در باغسازی - طراحی منظر - و شهرسازی به نام دروه بازوک شد. الگوی ورسای که در زمان لویی چهاردهم توسط باغبان و طراح منظر «لونوتر» اجرا شده بود در تمام دربارهای کوچک و بزرگ اروپا در طول قرن تکرار شد. قصرهای دوره باروک نمادی از خلاقیت هنری کلاسیک‌گرایی رنسانسی‌اند که وجه شاخصشان یکپارچگی طراحی معماری و باغسازی آن‌ها است، در عین حال که در این کلیت غلبه با یک طرح کلاسیک‌گرانه نظام هندسی و تأسیسات و تقارن است، جزئیات - باغ‌های کوچک‌تر - تحت تأثیر باغ‌های انگلیسی - چینی در یک نظام ارگانیک خودنمایی می‌کند مثل باغ تریانون که برای بازی ماری آنتوانت ساخته شد به همراه کلبه آن که سبک روستیک (روستایی) دارد و به همراه فضای سبز جنگل مانند و اورگانیکش یادآور گرایش‌های رمانتیک است. ویژگی مهم ورسای یکپارچگی معماری و باغسازی در آن است این نظام واحد معماری، باغسازی و شهرسازی در واقع ترجمان نظام قدرت و سلطه در بیانی کلاسیک‌گرا است. گشادگی و وسعت محوطه و منظر طراحی شده این قصرها و پیوندی که با طبیعت بکر در افق دور پیدا می‌کنند باعث می‌شود که اذعان کنیم که سنت باغسازی اروپا از این دوران پارا از محدوده باغ‌های کوچک و محصور به گستره‌ای در امتداد شهر و به سوی بی‌نهایت افق می‌گذارد.

طراحی منظر به سبک باروک در مقیاس کوچک‌تر، در پاریس قرن هیجدهم در طراحی میدان‌های مونومانتالی مانند میدان وندوم - اثر مانسارد ۱۷۳۷، معمار ورسای - و یا میدان عظیم کنکورد - اثر گابریل ۱۷۷۵ - ادامه پیدا می‌کند، اولی گرچه بسط یک میدان شهری به سیاق میدان‌های قرون وسطا است اما دومی در پیوند با باغ‌های اطرافش یک منظر شهری کامل طراحی شده است.

انقلاب صنعتی و تأثیرات آن (نیمه دوم قرن ۱۸ تا پایان قرن ۱۹)

قرن نوزدهم گویی دوران پس‌لرزه‌های ناشی از وقایع دگرگون‌کننده‌ایست که از نیمه قرن هیجدهم به بعد در اروپا اتفاق افتاد. قرن هیجدهم عصر روشنگری در اروپا بود، دوره‌ای که دیدگاه‌های جدید فلسفی آن نوع نگرش به هستی را تغییر داد بحث آزادی و برابری را بر مبنای انسان محوری رنسانسی بسط داد تا به سوژه محوری دکارتی رسید و زمینه‌ساز انقلاب صنعتی - نوع دیگر نگرش به تولید - انگلستان و انقلاب کبیر فرانسه - نوع دیگر نگرش به سیاست و حکومت - گردید.

بعد از تغییرات مهم فنی و اقتصادی و اجتماعی که به انقلاب صنعتی «شهرت دارد و طی نیمه دوم قرن هیجدهم در انگلستان به وقوع پیوست و در طی این قرن به سایر نقاط اروپا راه یافت» پایه‌های اقتصادی شهرها دگرگون شد و همراه با رشد سرمایه‌داری، افزایش جمعیت شهرها، ثروت‌های کلان و توده‌های فقیر و مجموعه‌ای از نیازهای جدید اجتماعی در محدوده شهرها ظهور کرد. در پایان قرن هیجدهم - ۱۷۸۹ - با انقلاب فرانسه و از پا افتادن نظام فئودالی برای همیشه، در اروپا تفکرات برابری طلبی و آزادی‌خواهی در کنار نظام سرمایه‌داری رشد می‌کرد. تغییر نظام اقتصادی، سقوط اشراف و دربارهای سلطنتی و روی کار آمدن طبقه جدید بورژوا و افزایش جمعیت کم درآمد و فقیر در شهرها در آنجا نیز نیازهای جدید شهری ظهور کرد، این همه معضلاتی را در شهر و جامعه شهری پدید آورد که باعث پیدایش تفکرات و اقداماتی جهت اصلاح وضع موجود و رفع نیازهای جدید شهروندان گردید.

با توسعه تمدن صنعتی و - تغییر نظام سنتی فئودالی به نظام جدید - و تغییرات بیدار کننده در جامعه شهرنشین، شهرسازی مدرن زاده شده که در طول یک قرن از زاویای گوناگون در پی حل مسائل شهری بود. یکی از این مسائل تراکم روز افزون شهرها و زشتی و ناسالم شدن محیط شهری از همه جهت بود، این امر زمینه‌ساز تفکرات و اقداماتی شد که یک شاخه آن توجه جدی به حضور طبیعت و فضای سبز در شهرها و در مناطق مسکونی بود.

طراحی منظر در خدمت اشراف شهری و طبقه متوسط (انگلستان)

در قرن نوزدهم پس از تحولات فکری و فلسفی عصر روشنگری و در عکس‌العمل نسبت به سبک اشرافی باروک دیگر بار در هنر نگرش کلاسیکی حکم‌فرما شده بود اما در انگلستان به دنبال تفکرات فلسفی رمانتیکی که از آلمان آغاز گردیده بود در کنار کلاسیک‌گرایی گرایش‌های ادبی و هنری رمانتیک پا گرفت که از یک سو به دنبال رشد بورژوازی و ثروتمند شدن سرمایه‌داران و گرایششان به جنبه‌های تجملی و از سوی دیگر در عکس‌العمل به قاطعیت و خشکی‌های اصول کلاسیک، رمانتیک‌گرایی که در فرم و بیان متضاد کلاسیک‌گرایی است و به عنوان آنتی تز آن شناخته شده است در اروپا هم با اقبال مواجه شد، رمانتیک‌گرایی به همان دلیل که برای توجیه خود به دلایل عقلی متمسک می‌شود در حقیقت روی دیگر سکه کلاسیک‌گرایی است. در انگلستان به دنبال تأثیرات رمانتیک‌گرایی گوته و راسکین، گرایش به طبیعت و توجه به تلطیف فضای زندگی در بین اشراف و بورژوازی ثروتمند پا گرفت.

از سوی دیگر، دگرگونی‌های پس از انقلاب صنعتی باعث تغییر محل اقامت و هم‌چنین تغییر روال زندگی قسمت اعظم مردم انگلیس گردیده بود و این امر نحوه استفاده از زمین‌ها و منظر آن را تغییر می‌داد.

کثرت ساکنان شهرها و مناطق صنعتی تعدد خانه‌های جدید، تأسیسات صنعتی و حمل و نقل، کیلومترها جاده، تعدد پل‌ها و ظهور راه‌آهن و مسیرهای زیرزمینی، تعدد وسائط نقلیه در شهرها، معادن و کارخانه‌هایی که ناگهان در مناطق بکر روستایی شکل می‌گرفتند، کوره‌ها و دودکش‌ها که در کنار برج‌های کاندراال‌ها سر بر می‌آوردند، محیط دودآلوده و خاکستری رنگ، همه و همه جدید بودند و در طول فقط یک نسل پدید آمده بودند. همه این‌ها باعث دامن زدن به روحیه رمانتیک‌گرایی و گرایش به طبیعت بود.

اصلاح‌طلبان سیاسی و اجتماعی و انسان دوستان به فکر راه‌حل بودند. طرز فکر لیبرالی از یک سو به معضلات دامن می‌زد - در پی ایده‌هایی چون اقتصاد آزاد - و از سویی به فکر اصلاحات، آزادی‌ها و برابری بود این در حالی است که جامعه ابزارهای سنتی کنترل را از دست داده است، اما دوباره روحیه اشرافی در طبقه متوسط شکل گرفته و در تقابل با مسائل فوج عظیم کارگران است و هنوز به ابزارهای مدرن دسترسی ندارد. بنابراین در انگلستان در سال‌های آخر قرن هیجدهم گویی الگوهای نظام‌دهی شهری صد سال پیش فرانسه - باروک - به نفع اشراف شهری تکرار می‌شوند.

الگوهای نظام‌دهی شهری صد سال پیش فرانسه - باروک - به نفع اشراف شهری تکرار می‌شوند.

در طراحی برخی فضاهای معروف شهری مانند میدان بلومزبری Bloomsbury یا ریجنتس استریت Regents Street و محلات مسکونی چون رویال کرنست Royal Crescent نوعی از معماری مومنانتال باروک را در هماهنگی با مناظر شهری یا طبیعی اطراف مشاهده می‌کنیم از سوی دیگر طراحی میدان‌های سبز green square در وسط مجموعه‌های مسکونی اشراف شهری، در

جستجوی فضاهایی آرام و دلچسب و البته متواضع، به دور از تراکم و آلودگی محلات فقیرنشین لندن از نخستین اقدامات در جهت طراحی منظر شهری در شهرهای دوران انقلاب صنعتی به شمار می‌روند که به تبع نیازهای جدید پدید آمده‌اند و بعدها به علت توجه اصلاح‌طلبان به رفع نیازهای جدید کلیه شهروندان - به اقداماتی در جهت ایجاد پارک‌های عمومی شهری و محله‌ای تبدیل می‌شوند.

به تدریج با واپس رفتن سبک باروک در اروپا، کلاسیک‌گرایی و رمانتیک‌گرایی در بین اشراف انگلیس - زمین‌داران سابق که اکنون سرمایه‌داران و کارخانه‌داران هستند - رواج می‌یابد. ایشان در بیرون از شهرها به ساختن ویلاهایی با معماری کلاسیک‌گرایی سبک پالادیو و باغسازی سبک انگلیسی که متأثر از فلسفه رمانتیسیسم و فرم‌های رمز و رازی باغ‌های چینی است می‌پردازند. در اروپا طراحی منظر در قرن هیجدهم در باغسازی باروک فرانسوی اعتلا می‌یابد و در قرن نوزدهم شاهد اعتلای این هنر در باغسازی رمانتیک انگلیس هستیم.

نمایشگاه‌های جهانی و طراحی منظر

در نیمه دوم قرن نوزدهم، که صنعت در اروپا به شکوفایی رسیده بود، برگزاری نمایشگاه‌های صنعتی که خود زاده این شکوفایی بودند زمینه مناسبی برای طراحی منظر نیز فراهم کردند تا جایی که باغبان‌هایی که کارشان منظرسازی و گلخانه‌سازی بود آنقدر در این حوزه فعال بودند که حتی دست به ساخت و ساز غرفه‌های نمایشگاه هم زدند - جوزف پاکستون که او را پدر معماری صنعتی شده می‌دانند. پاکستون در کریستال پالاس - ۱۸۵۱ - که یک مصداق مهم معماری قرن نوزده است به طراحی منظر داخلی (Indoor Landscape) نیز پرداخته بود. توجه به طراحی منظر محوطه‌های نمایشگاه‌ها هم یک موضوع بود که نوع شاخص آن را در طراحی نمایشگاه جهانی شیکاگو در ۱۸۹۳ توسط المسند و همکارانش مشاهده می‌کنیم.

در اروپا در حالی که هنر طراحی منظر، در خدمت اشراف و سرمایه‌داران، در ویلاهای شخصی یا محلات مسکونی اعیانی و یا در محوطه‌سازی نمایشگاه‌های جهانی رشد می‌کند، اصلاح‌طلبان و آرمان‌گرایان جامعه در پی ایجاد مجتمع‌های زیستی مناسب برای کارگران هستند و همواره یک بخش مورد تأکید ایشان پرداختن به فضای سبز کافی و مناسب جهت سالم‌سازی محیط است.

انگلستان از رپتون Repton تا اوئن Owen

رپتون Repton طراح قفس پرندگان و باغ قصر برایتون برای دربار سلطنتی انگلستان بود و تأثیر گرایش‌های رمانتیک او در طراحی‌های منظر در آمریکا مشهود است. هم‌زمان جان ناش معمار انگلیسی سازنده قصر برایتون در ۱۸۳۰ ریچتس پارک و خانه‌های اطراف آن را طراحی نمود که یک نمونه محله اشرافی - بورژوازی تروتمند - انگلیسی است. در این طرح وی برای باغسازی از همکاری همفردی هامپتون برخوردار گردیده بود. این پارک براساس طرز فکر شهری ایده‌آل و شاعرانه و انتزاعی شکل یافت.

اما اوئن (۱۷۷۱ تا ۱۸۵۸)، یک آرمان‌گرای انگلیسی قرن نوزدهم که از زندگی کارگری به سطح سرمایه‌داری رشد کرده بود. آرمان تغییر وضع محیط زندگی کارگران انگلستان را در سر می‌پروراند، آرمانگرایی او شاعرانه و رمانتیک نیست اما به حضور طبیعت در محیط زندگی کارگری به جهت سلامت‌سازی محیط و نیز استفاده از اقتصاد کشاورزی می‌اندیشد - رک به بنیادهای شهرسازی مدرن / بنه ولو / ص ۵۱ و نیز تاریخ معماری مدرن / همان / ۲۴۹ - در دهکده آرمانی او، در قسمت عقب خانه‌ها و در تمام اطراف، باغ‌هایی وجود دارند که توسط خیابان محصور گردیده‌اند و پیرامون دهکده زمین‌های زراعی قرار دارند. بخشی از هم و غم اوئن در این طرح آرمانی آوردن طبیعت و فضای سبز به درون محیط زندگی کارگرانی است که با پدیده انقلاب صنعتی از آن دور شده بودند از آنجا که طرح وی یک ایده همه جوانب یک مجتمع زیستی آرمانی است وارد جزئیات طراحی منظر نمی‌شود.

اوئن نمونه ناقص اما قابل اجرا از طرحش را در نیولاتارک اسکاتلند و برای کارگران کارخانه‌اش اجرا می‌کند وی با عدم موفقیت این پروژه تصمیم می‌گیرد که به آمریکا مهاجرت کند و این طرح آرمانی را در سرزمین آرزوهای بزرگ به آزمایش بگذارد.

پس از او و در دوره دیسرائیلی در انگلستان اقداماتی در جهت بهسازی مسکن کارگران صورت می‌گیرد و قوانینی تصویب می‌شود، آن‌گاه در سال ۱۸۵۳ تیتوس سالت با الهام از طرح آوئن، شهرک کارگری سالت را احداث می‌کند در طرح این شهرک شاهد یک پارک طراحی شده شهری در جوار منطقه مسکونی که طرحی خشک و یکنواخت دارد هستیم ص ۵۴۱ / بنه ولر -

ایده حضور فضای سبز و طبیعت و احداث پارک‌های عمومی در مجتمع‌های زیستی و شهرهای پس از انقلاب صنعتی در انگلستان در طرح باغشهر و ابنزرهاورد در سال‌های پایانی قرن نوزدهم متبلور می‌شود و احداث باغشهرها در آغاز قرن بیستم در آنجا آغاز می‌گردد.

فرانسه پس از انقلاب (از آرمان‌گرایان تا عمل‌گرایان: از فوریه تا هوسمان)

فوریه آرمان‌گرای سوسیالیست فرانسوی در ۱۸۰۸ طرح مجتمع زیستی خود را به نام فالاستر انتشار می‌دهد. در این طرح که از بسیاری جهات نزدیک به طرح نیوهارمونی آوئن است حضور طبیعت و فضای سبز به طور جدی مطرح است:

- تمام خانه‌های قسمت مرکزی شهر باید دارای فضاهای آزاد به صورت حیاط و یا باغچه باشند. تمام خانه‌ها باید از چهار بر آزاد باشند - و یا نرده‌های کوتاه محصور شوند - نقطه گریز ساختمان‌ها باید از یک منظر زراعی با یک مونومان بگذرد - بعضی از خیابان‌ها برای جلوگیری از یکنواختی به صورت مارپیچ و یا با انحنا خواهند بود. نیمی از خیابان‌ها باید با درخت‌های مختلف درختکاری شوند - اجرای این طرح آرمانی هم با عدم موفقیت همراه بود اما راه‌حل‌های آرمانی آوئن و فوریه در اروپا برخی سرمایه‌داران و صاحبان صنایع را بر آن داشت تا با احداث شهرک‌های شرکتی برای کارگزارانشان تا حدی از مشکلات زیستی آن‌ها بکاهند، در فرانسه هم شخصی به نام گودن شهرکی با الهام از طرح فوریه ساخت و آن را فامیلیستر نام نهاد. که در آن به طرز قابل توجهی به تأمین فضای سبز و محوطه‌های باز پرداخته بود.

هوسمان و پاریس

فرانسه پس از انقلاب دوران پر فراز و نشیبی را طی می‌کند، نوسان بین جمهوری و دیکتاتوری، پس از جمهوری دوران امپراطوری ناپلئون فرا می‌رسد که در آن دوران فرانسه عمدتاً درگیر جنگ است و سازندگی به تأخیر می‌افتد. بعد از شکست ناپلئون تا نیمه دوم قرن نوزدهم شهرها در فرانسه و اروپا درگیر معضلات ناشی از انقلاب صنعتی‌اند و متفکران به نظریه‌پردازی‌هایی مشغولند که کم‌تر جامه عمل به خود می‌پوشند. پس از جنبش‌های دست چپی ۱۸۴۸ - سال اعلام مانیفست کمونیست مارکس و انگلس - در مهم‌ترین ممالک اروپایی گروه‌های محافظه کار دست راستی روی کار می‌آیند. در فرانسه هم دوره امپراتوری دوم با روی کار آمدن ناپلئون سوم آغاز می‌شود وی که خواهان احیای شکوه و جلال گذشته فرانسه است در یک نظام پارلمانی اما با قدرت و سلطه زیاد و حمایت اشراف عضو پارلمان حکومت می‌کند. او برای انجام اصلاحاتی که برای پاریس در نظر دارد از بارون هوسمان فرماندار ناحیه سین پاریس کمک می‌گیرد. به محض این‌که هوسمان به این مأموریت منصوب می‌شود - ۱۸۵۳ تا ۱۸۷۰ - عده‌ای از بهترین مهندسان را که قبلاً هم با او کار کرده بودند به خدمت می‌گیرد و با حمایت شخصی شاه آغاز به کار می‌کند. کارهای او که عمدتاً شامل تخریب‌ها در بافت قدیمی و ایجاد خیابان‌ها و بولوارهای عریض و طویل و یک نظام ارتباطی شهری براساس نقاط عطف شهری چون میدان‌ها و قصرها و اتصال آن‌ها توسط خیابان‌ها و بولوارها بود شامل عملیات ساختمانی حاشیه این مسیرهای شهری و طراحی نقشه و نمای این بناها نیز می‌شد. این مجموعه فعالیت‌ها به نوبه خود یک کار عظیم در مقیاس منظر شهری بود که در قالب یک طرح یکپارچه به سبک باروک - که در آن زمان از آن به عنوان نئوباروک یاد می‌شد - دیده شده بود، دسته دیگر از کارهای هوسمان در درون همین طرح یکپارچه که شایسته بحث است احداث باغ‌ها و پارک‌های عمومی در پاریس است.

تا آن زمان پارک‌ها در شهر پاریس منحصر به باغ‌های متعلق به قصرهای رژیم قدیم بود. مانند توپلری، شانزلیزه، شان دوماس، و لوکزامبورگ. اما هوسمان برای پاریس باغ‌ها و پارک‌های عمومی دیگری را نیز در نظر گرفته وی به تنظیم و اصلاح جنگل قدیمی و سلطنتی «بودویولونی» پرداخت که به علت نزدیکی به شانزلیزه به زودی گردشگاه مردم تراز اول پاریس شد و در جهت مقابل آن، بودووتسان را به پارک جالبی برای قسمت شرقی شهر تبدیل کرد. هوسمان که می‌خواست «مون - وری» را طراحی کرد. فعالیت‌های هوسمان در پاریس ۱۸۵۳ تا ۷۰ کمی پیش از فعالیت‌های المسند ۱۸۵۷ تا ۹۳ در آمریکا است - برای انجام

امور پارک‌سازی هوسمان از همکاری با ارزش «الفان» Alpham استفاده کرد. هوسمان شخصاً علاقه و اشتیاق خاصی به باغ‌سازی داشت و آن را در کتاب خاطراتش منعکس کرده است - ر.ک. بنه ولو ۱۴۶ -

کلیه اقدامات هوسمان از نظر سبکی در جهت احیای باروک با هدف احیای شکوه و قدرت گذشته فرانسه بود. به این ترتیب است که در اروپا معماری، شهرسازی و منظرپردازی نئوباروک پا می‌گیرد، بیش‌ترین تأثیر این‌گونه اقدامات را در طرح کمربند وین - حلقه وین Ring Strasse - باغسازی‌های نئوباروک آن مشاهده می‌کنیم. آنچه در وین اتفاق می‌افتد نیز همزمان یک اقدام همه جانبه در حوزه معماری، شهرسازی و طرح منظر شهری است. ر.ک. بنه ولو / ۱۵۵.

در یک جمع‌بندی می‌توان ابراز کرد که در اروپای بعد از انقلاب صنعتی، در ضمن حرکت‌هایی که برای حل معضلات شهری صورت می‌گرفت توجه به ایجاد فضای سبز و پارک‌های عمومی در سطح شهرها از اهمیت بالایی برخوردار بود و در این میان دست‌اندرکاران امور شهری، معماران، شهرسازان معمار و باغبان‌ها نقش داشتند: از آوئن و فوریه که آرمان‌پردازی کردند تا هوسمان که دست به عمل زد و از پاکستون، جان‌ناش، ریتون، که به طراحی منظر پرداختند اما ثمره کار آن‌ها در آمریکا توسط المسند به یک حرفه و تخصص تبدیل شد.

اروپا در قرن بیستم

شهرسازی و ایده ایجاد فضاهای سبز در شهرها:

اهمیت حضور طبیعت و فضای سبز در شهرها به صورت پارک‌های بزرگ مرکزی، پارک‌های محله‌ای، نوارهای سبز جداکننده، تا ایده باغشهر و پارک - شهر را می‌توانیم در طرح‌های پیشگامان شهرسازی معاصر در آغاز قرن بیستم پیگیری کنیم شهرسازی معاصر به این عقیده استوار پایبند بود که تمامی جمعیت شهری محق هستند که در یک محیط مناسب زیست کنند. برای محیط مناسب فاکتورهای تعیین کننده مختلفی در نظر داشتند که یکی از آن‌ها تعادل بین طبیعت و عناصر ساختمانی شهر بود. تماس با طبیعت و فضاهای سبز در شهر و بهره‌مند بودند از منظر شهری مطلوب همواره از ایده‌آل‌های شهرسازان معاصر بوده است.

باغشهر ابتزر هاوارد

پس از نظریه‌پردازی‌های قرن نوزدهم و طرح‌های آرمانی و نیز اقدامات اصلاحی شهری که در همه آن‌ها توجه به فضای سبز و منظر شهری مطرح بودند در آغاز قرن بیستم با جنبش باغ - شهر در انگلستان روبرو می‌شویم که هدف اصلی آن پیوند محیط شهر صنعتی با محیط روستایی و کشاورزی است، به منظور بهره‌مندی از مزایای هر دو و ایجاد تعادل زیست محیطی در زندگی مردمی که به ناچار به شهرنشینی روی آورده بودند.

در دیباگرام هاوارد مبدع این طرح یک باغ مرکزی وجود دارد که ساختمان‌های اداری شهر به دور آن احداث می‌شوند در پیرامون آن‌ها پارک مرکزی بزرگ شهر قرار می‌گیرد در حالی که یک خیابان سرپوشیده مشرف به این پارک و در کنار مراکز خرید احداث می‌شود. خیابان اصلی شهر Grand Avenue، هم با فضای سبز جداره‌سازی می‌شود.

اما متأسفانه دو نمونه اولیه از این طرح که به اجرای در می‌آیند یعنی لچ ورث و ولوین، به علت محدودیت‌های اجرایی از مزیت این پارک بزرگ مرکزی محروم هستند. در باغشهر به صورت نظری مجموعاً برای هر هزار نفر از ساکنان خود ۹ جریب (Acker) فضای سبز اختصاص داشت. ساختن نخستین باغشهر یعنی لچ ورث در ۱۹۰۴ آغاز شد.

در انگلستان در آغاز قرن بیستم ایده باغشهر جدی گرفته شد و بسط یافت و نهایتاً به طرح شهرک‌های اقماری در انگلستان و Green Belt Cities در آمریکا منجر شد که از همان کانسپت اصلی هاوارد تبعیت می‌کردند.

شهر صنعتی گارنیه و ایده اولیه پارک - شهر

هم‌چنین در سال ۱۹۰۴ طرح کامل شده صنعتی گارنیه در پاریس ارائه شد. از نظر وسعت فضای سبز و تلفیق طبیعت با فضای شهری و بخش صنعتی، طرح گارنیه را می‌توان پیشگام نظریه پارک - شهر و نیز ایده کارخانه سبز لوکوربوزیه دانست. در این طرح نیز گرچه به حضور طبیعت و فضای سبز در مقیاس‌های مختلف شهری و نیز اهمیت آن در چشم‌انداز شهری پرداخته شده است

لکن به جزئیات طراحی منظر توجه نشده است. در عمل گارنیه فقط توانست بخش‌هایی از نظریه‌اش را در برخی پروژه‌ها در زادگاهش به اجرا در آورد اما به علت محدودیت‌های مالی و زمین این اندیشه وی که شهر باید به سان یک باغ ملی بزرگ باشد چنان رنگ باخت که فقط شبی از آن برجای ماند.

نوار - شهر سبز سوریا

در نوار - شهر پیشنهادی سوریا که نخستین بار ایده آن در ۱۸۸۲ انتشار یافت و ده سال بعد به طور جدی دنبال شد، ستون فقرات شهر بایستی یک خیابان ۴۰ متری تأمین کننده انواع رفت و آمدها باشد در دو طرف آن بلوک‌های مسکونی قرار دارند و ساختمان در این بلوک‌ها نباید فضایی بیش از یک پنجم سطح زمین مورد لزوم را اشغال کند، هر خانه مستقل است و باغ و باغچه اختصاصی خود را دارد. در پشت بلوک‌های مسکونی یک نوار سبز به صورت پارک جنگلی حد فاصل محیط شهری و محوطه‌های صنعتی است.

در عمل محدوده کوچکی از این شهر خطی در یک بخش پیرامونی مادرید اجرا گردید که به تدریج در اثر رشد بدون برنامه شهر در اطراف آن، عملاً در بافت توسعه شهر محو شد، اما به علت حجم فضای سبزی که دارد هنوز همچون یک لکه سرسبز در نقشه شهر خودنمایی می‌کند.

در این جا نیز جزئیات طراحی منظر شهری و یا طراحی منظر پارک‌ها مسئله اصلی طراح نبوده است.

اوژن هنارد و منظومه باغ‌ها و پارک‌های پاریس

موضوع مهمی که اوژن هنارد در طرح دگرگونی شهر پاریس مشتاقانه به آن پرداخته بود، موضوع «فضاهای بزرگ سبز» بود وی عقیده داشت که کم ایرادترین کارهای هوسمان در پاریس، بحث پارک‌سازی‌های او و اختصاص دادن گردشگاه‌های بزرگ برای عموم مردم پاریس بوده است. هنارد یک نظام فضای سبز را برای پاریس پیشنهاد می‌کند که از طراحی جداره خیابان در پروژه خیابان آینده او به عنوان فضاهای نیمه خصوصی برای مجتمع‌های آپارتمانی حاشیه خیابان شروع می‌شود و سپس به پارک‌های کوچک محله‌ای با حداکثر ۵۰۰ متر فاصله از منازل و بعد به پارک‌های منطقه‌ای با شعاع عمل حدوداً یک کیلومتر و نهایتاً به چهار پارک جنگلی وسیع در پیرامون شهر ختم می‌گردد.

تخریب استحکامات قدیم پاریس فضای کافی برای انجام ایده وی را فراهم کرد وی در این سیستم‌اسیون فضای سبز یک خیابان بزرگ کمربندی برای شهر به نام خیابان آینده طراحی کرده بود که پاسخ‌گوی انواع ترافیک شهری در سطوح مختلف بود، ساختمان‌ها در جداره این خیابان با فرورفتن و پیش آمدن یک شکل دندان‌های به خیابان می‌دادند که در محل فرورفتگی‌ها که عرض پیاپی زیاد می‌شد و محوطه‌های مربع شکلی را به وجود می‌آورد فضاهای سبز کوچک به صورت باغچه‌های نیمه خصوصی برای ساکنان آپارتمان‌های مسکونی و صاحبان مغازه‌های هم‌جوار فراهم می‌کرد که می‌توانست محل تجمعات کوچک، با گوشه‌هایی برای میز و صندلی کافه‌ها - کافه در فضای باز کنار خیابان که در پاریس رایج است - با پهن کردن بساط هنرمندان و نقاشان را فراهم آورد. از نظر هنارد علاوه بر این عملکردها چنین طرحی یک منظر شهری جدید را برای جداره خیابان‌ها ایجاد می‌کند که بر اثر تنوعی که به صورت ریتمیک از ساختمان و درخت‌ها به وجود می‌آید چشم‌اندازی مطبوع‌تر نسبت به خیابان‌های دالانی شکل سنتی خواهند داشت.

در نظام فضای سبز پیشنهادی هنارد تقریباً نوعی توزیع متعادل فضای سبز در نظر گرفته شده است. که حتی در حال حاضر هم بسیاری از بخش‌های پاریس بزرگ فاقد آن هستند.

در این نظام در پیرامون شهر - در محل تخریب استحکامات - ۹ پارک در نظر گرفته شده است و در داخل شهر به منظور تراکم‌زدایی و تأمین فضای سبز گردشگاهی در بخش‌های مختلف ۹ پارک دیگر مکان‌یابی شده‌اند. باغ‌های متعددی هم در داخل محلات با حداقل یک هکتار وسعت پیش‌بینی شده‌اند. در یک چنین نظامی هر یک از اهالی شهر می‌تواند حداکثر در فاصله پانصد متری به یک باغ یا پارک دسترسی داشته باشد. نکته مهم این است که در این باغ‌ها و پارک‌ها انواع فعالیت‌های گذران اوقات فراغت مانند زمین‌های بازی، تجهیزات ورزشی و سایر فضاهای تفریحی پیش‌بینی شده بود. به این ترتیب گرچه هنارد به جزئیات طراحی منظر این پارک‌ها نپرداخته بود اما کلاً برای آن‌ها یک برنامه فیزیکی را طراحی کرده بود که این خود گامی به پیش

محسوب می‌شود. وی در تکمیل طرحش با استفاده از وجود دو پارک جنگلی قدیمی که در زمان هوسمان به گردشگاه شهری تبدیل شده بودند یعنی «بوداپولونی» و «بوداووتسن» - در شرق و غرب شهر - در دو نقطه شمالی و جنوبی احداث دو پارک عظیم را پیشنهاد کرد.

لوکوربوزیه و ایده پارک - شهر

لوکوربوزیه از میان معماران معاصر بسیار جدی به مسائل شهری پرداخته است و از ۱۹۲۲ به بعد طرح‌های متعددی برای شهرهای بزرگ داده و ایده‌هایش را در برخی پروژه‌های اجرایی مانند شاندیگار و محله مسکونی آنور در هلند، به مرحله عمل در آورده است.

ایده مشترک در تمام طرح‌های وی ایده پارک - شهر است، وی به معجزه درختان و فضای سبز اعتقاد دارد اما برخلاف گارنیه که شهر به سان یک باغ ملی (پارک - شهر) را با ساختمان‌های مسکونی یک یا فقط چند طبقه مجسم می‌کرد و اینزو هاوارد که باغشهر را با خانه‌های مسکونی مستقل دارای حیاط خصوصی طراحی کرده بود، لوکوربوزیه این طرح‌ها را موجب هدر رفتن زمین می‌داند و باغشهرهای افقی را نقد و از باغشهر عمودی دفاع می‌کند.

ایده باغشهر عمودی لوکوربوزیه نخستین بار در ۱۹۲۲ در طرح یک شهر معاصر برای سه میلیون نفر ظاهر می‌شود، این طرح شامل بلوک‌هایی از آپارتمان‌های مسکونی در داخل سطح وسیعی از فضای سبز است که بلوک‌های ساختمانی دارای نقشه‌ای دندانهای شکل هستند تا به بهترین وجه از نوع و تهویه و منظر سبز برخوردار باشند. در بخش مرکزی که برای ۶۰۰۰۰۰ نفر طراحی شده است «آپارتمان‌های ویلایی» در چند ساختمان دو طبقه طراحی شده‌اند که هر یک دارای حیاط وسیع سرسبز و امکانات ورزشی اختصاصی خود هستند. این آپارتمان‌ها دارای باغ‌های معلق "Root Garden" در سطح تراس‌ها و پشت بام‌هایشان هستند. این بخش مرکزی و پرتراکم با یک کمربند سبز از باغشهرهای پیرامونی که گسترده‌تر و کم تراکم‌تر هستند جدا می‌شوند. این محلات پیرامونی برای قسمت اعظم جمعیت شهر یعنی ۲ میلیون نفر طراحی شده‌اند. حضور فضای سبز وسیع در طرح نقشه همجواری در ۱۹۲۵ برای بازسازی مرکز شهر پاریس ارائه شد چمشگیر است در این طرح به علت تأکید بر فضای سبز، ساختمان‌های اداری و هتل‌ها، سالن‌های کنفرانس، نهادهای تفریحی، که در مجموعه پیش‌بینی شده‌اند به صورت برج‌های بلند بر روی پیلوت طراحی شده‌اند و تراکم موجود را تا ۴ برابر افزایش می‌دهند. در اطراف آن‌ها ساختمان‌های آپارتمانی در طبقات کم‌تر برای سکونت طراحی شده‌اند.

در ۱۹۳۰ طرح شهر درخشان که ثمره تحقیقات قبلی وی بود ارائه شد، این یک «شهر سبز» با بناهای بلند و پیلوتی بود، وی عقیده داشت که پیلوتی موجب تداوم منظر سبز در امتداد دید پیاده‌ها می‌شود. باغ‌های معلق بر روی پشت بام‌ها طراحی شده بودند و بلوک‌های آپارتمانی در تناسب با جهت نور خورشید و تهویه و استفاده از منظر در اطراف محوطه‌های سبز وسیع جهت‌گیری شده بودند. طراحی layout این پروژه‌ها هنوز در پی شیفتگی لوکوربوزیه نسبت به هندسه کارترین، طرح‌های وی انعطاف‌پذیرتر شدند و خطوط منحنی به تبعیت از فرم و توپوگرافی زمین در طرح‌های بعدی وی مانند طرح ریودوژانیرو (۱۹۲۹) و طرح‌های الجزیره (۱۹۳۰) ظاهر شدند. در طرح محله در آنور ساختمان‌ها با پلان‌های دندان‌های به تبع نور خورشید به طریق طبیعی‌تری در سطح زمین طراحی شده‌اند.

در ایده پارک - شهر لوکوربوزیه، به کمک عناصر پیلوتی و باغ‌های پشت بام، منظر در تمام جهات و ابعاد افقی و قائم تداوم می‌یابد.

لوکوربوزیه نیز در هیچ‌کدام از طرح‌هایش به جزئیات طراحی منظر وارد نمی‌شود اما برخی از این طرح‌ها در مقیاس بزرگ شهری یا محله‌ای و با توجه به شبکه رفت و آمد و نیز layout ساختمان‌ها، ناچار یک چارچوب طراحی شده دارند که به تدریج از حالت اجمال خارج می‌شود.

جنبش‌های خانه‌سازی و آزاد شدن زمین برای فضای سرسبز نیمه خصوصی در سایه rational layout

یکی از رهاوردهای جنبش‌های خانه‌سازی در اروپای بعد از جنگ جهانی اول موضوع Rational layout بود که به خاطر تأمین فضای کافی برای نورگیری و تهویه مسکن به آن پرداخته شد و به جایی رسید که در میان بلوک‌های نیمه باز یا در بین بلوک‌های

باز مسکونی فضای آزاد مناسب برای ایجاد باغ و باغچه و امکانات ورزشی و بازی کودکان و ساکنان فراهم آمد معماران بزرگی که روی محوطه‌های بزرگ ساختمانی کار می‌کردند راه‌حل‌های جدیدی را در طراحی کوی‌های مسکونی ارائه دادند. در سال ۱۹۲۰، اود، کوی مسکونی توسن دیکن را در روتردام احداث کرد که در آن بلوک‌های آپارتمانی را با حیاط‌های مرکزی پر از گل و گیاه طراحی کرده بود.

بعدها با ابداع ردیف‌های متوازی ساختمان "Zeilenbauweise"، "parallel building rows" در طرح و ساخت کوی‌های مسکونی، جای کافی برای ایجاد حیاط و باغچه خصوصی برای منازل تک خانواری و یا فضای سبز مشترک برای آپارتمان‌ها فراهم آمد. این روش استقرار منطقی بناها در زمین که توسط معماران آوانگارد اروپایی در دهه سوم قرن بیستم مطرح شده بود علی‌رغم امتیازات مقطعی که داشت کلاً یک طرح مکانیستی بود که به علت خشکی و یکنواختی آن - که بیش‌تر مناسب خط تولید صنعتی ساختمان بود و از همین جهت هم گروپیوس از آن جانبداری می‌کرد - بعدها به کنار گذاشته شد اما کانسپت اصلی آن که حضور فضای باز و سبز مناسب در بین بلوک‌های ساختمانی بود با راه‌حل‌های ارگانیک‌تر دنبال شد.

یکی از نخستین راه‌حل‌های ارگانیک که با توجه به توپوگرافی زمین ارائه شد طرح کوی مسکونی «بریتز» در برلین بود که توسط «تاوت» و «واگنر» در ۱۹۲۵ اجرا شد.

در مرکز طرح دو بخش از ساختمان‌های مسکونی به دور دو محوطه بزرگ که از خشکانیدن باتلاقی در محل حاصل شده بود، شکل گرفته‌اند که یکی فرم نعل اسبی و دیگری فرمی آزاد دارد، بقیه محوطه هم گرچه از نظام ردیف‌های متوازی تبعیت می‌کند اما تابع توپوگرافی و شیب زمین است. این طرح در آن زمان از طرف معماران آوانگارد به عنوان عدول از روش منطقی و روی آوردن به فرمالیسم مورد انتقاد قرار گرفت.

در میان معماران آوانگارد فعال در جنبش خانه‌سازی، لوکوربوزیه به دنبال ایده خود که احداث ساختمان‌های بلند پر تراکم در یک محوطه وسیع سبز بود طرح کوی مسکونی خود را به صورت یک بلوک ساختمانی که همه تجهیزات و تسهیلات یک محله را در درون خود جای می‌دهد و روی پیلوتی مستقر است و دارای باغ پشت‌بام و راهروهایی در جداره بنا و مشرف به محوطه است طراحی کرد که نمونه معروف ساخته شده آن «مجتمع مسکونی ماری» است. این بنا در زمانی که احداث شد از یک سو مورد تمجید قرار گرفت و از سوی دیگر انتقادات تندی را برانگیخت و امروز البته نقدهای بسیاری برانگیخت و امروز البته نقدهای بسیاری بر آن وارد است.

واحد همسایگی، واحدهای شهری و پارک‌های محله‌ای

یک نقد مهم در مورد مجتمع مسکونی ماری، نپرداختن به نیازهای روانی، احساسی فردی و جمعی است که امروزه به آن تأکید می‌شود در اروپا که معماران آوانگارد روی طراحی و ساخت کوی‌های مسکونی فعالیت می‌کردند و نتایج تجربیاتشان را هم در کنگره‌های سیام به بحث می‌گذاشتند آنقدر درگیر مسائل کمی و رفع معضلات عاجل بودند که نتوانستند به مسئله روابط اجتماعی حاکم در یک کوی مسکونی یا یک واحد همسایگی بپردازند در نتیجه حتی توجه آن‌ها به ایجاد فضاهای سبز و باغ و باغچه در این مجتمع‌ها بیش‌تر از نقطه نظر رفع نیازهای نور و آفتاب و منظر زیبا بود تا از منظر فضاهایی مناسب تحکیم روابط اجتماعی در بین ساکنان و رفع نیازهای روانی و عاطفی افراد.

در این حال در آمریکا از نخستین سال‌های قرن بیستم، کلارنس آرتور پری مشغول فعالیت روی مسائل مجتمع‌های مسکونی بود. وی نظریه «واحد همسایگی» را در ۱۹۳۳ عنوان کرد و در تکمیل آن به نظریه «همسایگی خویشاوندی» رسید که در آن باور او به یک زندگی جمعی در واحدهای همسایگی براساس خدمات مناسب سازمان یافته بود، وی در فهرست خدمات جمعی برای این واحدها زمین‌های بازی و امکانات ورزشی و مسیرهای سبز عبور پیاده و فضاهای سبز خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی را در بین واحدهای همسایگی خویشاوندی، قرار داده بود. ایده وی بنا به گفته خودش مسبوق به سوابقی در آمریکا بوده است.

در زمانی که پری روی نظریه‌اش کار می‌کرد، هنری رایت و کلارنس اشتاین در نزدیکی نیویورک چند کوی مسکونی احداث کردند که در آن‌ها اصولی مشابه را به کار گرفته بودند - طراح باغ‌های سانی شاید یک نمونه بود ...

نظام رادبرن: این دو با ساختن شهر رادبرن در ۱۶ مایلی نیویورک نظریاتی را به اجرا در آوردند که بعدها به «نظام رادبرن» شهرت یافت. این شهر که برای ۲۵۰۰۰ نفر در حومه نیویورک ساخته شده بود و به علت کمبود فضاهای آزاد نمی‌توانست مانند باغشهرهای انگلستان دارای کمربند سبز باشد. اما به هر حال یک شهر سبز است که در آن خانه‌های تک خانواری با باغچه خصوصی در اطراف یک بن‌بست یک بلوک را که معادل همسایگی خوشاوندی پری است شکل می‌دهند که از پشت از طریق مسیرهای سبز و محوطه‌های سبز نیمه خصوصی با همسایگی‌های دیگر مرتبط می‌شوند در حالی که از تجمع چند بلوک یک کلان بلوک که معادل «واحد همسایگی» پری است و از تجمع سه واحد همسایگی شهر رادبرن شکل می‌گیرد.

در این طرح واحدها به طور نسبی از ترافیک سرتاسری آزاد هستند و در مرکز هر کلان بلوک فضاهای سبز عمومی بزرگ طراحی شده است.

بدون هیچ ارتباط مستقیم پس از گذشت حدود دو دهه از طرح گارنیه و ایده باغشهر گویی متفکران شهرسازی مدرن با تجربیات خود مسیر اجرایی شدن و منطقی گردیدن طرح‌های پیشگامان را هموار کردند تا از آن میان طرح رادبرن سر برآورد.

تراکم‌زدایی از شهرها و تأمین فضای باز مناسب

در اروپا اکثراً شهرها به صورت متحدالمرکز به دور یک هسته تاریخی با تراکم زیاد گسترش یافته‌اند. در ۱۸۹۵ - چندی پس از ایده باغشهر فریچ یک طرح نموداری را به نام «شهرهای آینده» ارائه کرد در این نمودار که شهر به صورت دایره متصور شده بود محلات به صورت قطعه‌های مستطیل شکل در امتداد شعاع‌های دایره گسترش می‌یافتند در حالی که مثلث‌هایی در بینشان ایجاد می‌شد که این مثلث‌ها برای احداث فضای سبز و پارک‌های عمومی در نظر گرفته شده بودند. دنباله این تفکر و نیز ایده باغشهر در دهه ۲۰ در اروپا به طراحی انواع مختلفی از ترکیب باغشهرها، شهرک‌های اقماری، شهرک‌های خوابگاهی منجر شد.

در آمریکا در دهه ۱۹۳۰ به تبع ایده باغشهر حومه‌های مسکونی ارزان قیمت توسط نهادهای دولتی به نام Green Belt Cities ساخته شدند که جواب‌گوی بحران‌های اقتصادی و مشکل کمبود مسکن باشند اما هدف تراکم‌زدایی از شهرهای بزرگ با توجه به نحوه رشد متفاوت شهرهای آمریکا به علت وسعت سرزمین و عدم محدودیت برای زمین شهری به گونه‌ای دیگر مطرح شد، طرح معروف رایت «شهر پهن‌دشتی» (Broad Acre City) که خود یک landscape غول‌آسا می‌توانست باشد نوع دیگری از زندگی در حومه و کار در شهر مرکزی را عنوان می‌کند که کاملاً جدید است. این حومه بی‌انتهای یک landscape طبیعی است با لکه‌های کوچکی در آن خانه‌های تک خانواری پراکنده هستند. بحث معماری منظر را ما در کارهای معماری ارگانیک رایت - به طور مثال خانه روی آبشار - به صورت واقعی‌تر می‌توانیم دنبال کنیم تا در بحث شهر پهن‌دشتی او - ر. ک. به خانه‌های سرفزاری رایت و در آغاز قرن بیستم معماران و شهرسازان معمار در اروپا به موضوع کلی طراحی منظر سبز پرداخته بوند، از باغشهر ابنزرهاوارد، و توجه به فضای سبز شهری در طرح‌های سوریا، گارنیه، هنارد، تا پارک - شهر لوکورویوزیه. از سوی دیگر شاهد کوشش برای تعبیه فضای باز و محیط سبز برای مجتمع‌های مسکونی در پی جنبش‌های خانه‌سازی در اروپا هستیم که ثمره آن در طرح رادبرن در آمریکا حاصل می‌شود. اما هیچ‌کدام از اروپاییان به طور خاص به موضوع معماری منظر آن چنان که در آمریکا به آن پرداخته شد توجه نکردند، لذا این حرفه و تخصص در آغاز قرن بیستم در آمریکا پایه‌گذاری شد.

یادآوری چند تاریخ مهم:

تأسیس جامعه آمریکایی معماران منظر American Society of landscape Architects (asla) توسط المسند و همکارانش
 در آمریکا ۱۸۹۹
 انتشار کتاب «شهرسازی بر پایه مبانی هنری» توسط کامیلوزیته در اتریش ۱۸۹۹
 انتشار نخستین مجله شهرسازی انگلیسی The Town Planning Revive ۱۹۱۰
 تأسیس انجمن فرانسوی معماران شهرساز ۱۹۱۱
 تأسیس انجمن بین‌المللی باغشهرها و شهرسازان (در انگلستان، توسط هاوارد و همکارانش) ۱۹۱۳

طراحی چشم‌انداز و باغ‌سازی در دوران باستان

امروزه با مطالعه در انواع چشم‌انداز طراحی شده در گستره کره زمین و در طول تاریخ زندگی بشر بر روی آن به یک نوع غالب از این دست چشم‌اندازها بر می‌خوریم که دیر یا زود در فرهنگ‌های مختلف شکل گرفته‌اند و تا دوران معاصر هم حضور دارند این نوع غالب چشم‌اندازی است به نام: باغ

با تحلیل یافته‌های باستان‌شناسی و متون عتیق می‌توان ادعان کرد که قدیمی‌ترین باغ‌ها در ایران پدید آمده‌اند گرچه اگر برای اساس نمونه‌های دارای شواهد و مدارک صرفاً باستان‌شناسی بخواهیم گزارش دهیم باید از بین‌النهرین و مصر آغاز کنیم زیرا شواهد نوع ایرانی باغ‌ها به دوران هخامنشی و اشاراتی در رایه یا دوران مادها بر می‌گردد اما با توجه به ظهور تمدن‌هایی در ایران به قدمت شش یا هفت هزار سال لازم است که به جستجوی ریشه‌های باغ ایرانی در دوران‌های بسیار کهن برخیزیم. از انواع چشم‌انداز مصنوع بشر که میراث آن تا به امروز بجای مانده است می‌توان به سه نوع متعلق به سه فرهنگ و در سه عرصه جغرافیایی اشاره کرد.

۱- باغ‌های فرهنگ ایرانی ۲- باغ‌های فرهنگ چینی ۳- باغ‌های فرهنگ اروپایی

تحقیق در تأثیرپذیری باغ‌های باستانی بین‌النهرین و مصر از فرهنگ ایرانی خود یک سؤال است و جای تحقیق علمی همه جانبه دارد.

نظریات متداول بین‌النهرین یا مصر را قدیمی‌ترین تمدن به شمار می‌آورند و بر این باورند که نخستین باغ‌ها در بین‌النهرین پدید آمده و این سنت بعداً در حکومت پارس‌ها (مخامنشیان و ساسانیان) ادامه یافت است: نخستین باغ‌های طراحی شده برخاسته از تحقق معجزه آسای نظام آبیاری در سرزمین‌های خشک بوده است به برکت نظام کشاورزی گستره بین‌النهرین به یک واحد غنی سبز تبدیل شده که همچون فرشی زمردین همراه با کانال‌های انتقال آب و نیز زهکشی زمین در بین دجله و فرات گسترده شده بوده است. (کتاب Landscape of Man) هم‌چنان بوده دو نوار ساحلی رود نیل که موجب پیدایش تمدنی عظیم در جوار صحرایی لم یزرع گردیده است.

اما سؤال مهم این است کچه در فلات ایران که عمر کهن‌ترین خشت به نشانه ساختمان‌سازی و استقرار بشر به ۹۰۰۰ سال می‌رسد (گنج تپه کرمانشاه) و تمدن‌های شهر سوخته تپه حصار و جیرفت به قدمت بیش از شش هزار سال وجود داشته‌اند و نیز قدمت نظام آبیاری با قنات به حداقل هشتصد قبل از میلاد (مقارن شکل‌گیری تمدن بین‌النهرین) می‌رسد آیا باغ‌سازی قدمت بیش‌تری از بین‌النهرین و مصر نداشته است؟ حداقل متون تاریخی مربوط به بین‌النهرین باغ‌های سمیرامیس در بابل در تحت تأثیر باغ‌های مادی که در مناطق کوهستانی زاگرس ساخته می‌شدند می‌دانند. به هر حال آگاهی از قدمت واقعی باغ‌سازی ایرانی بک زمینه تحقیق جدی می‌تواند باشد.

۱- بین‌النهرین

منطقه بین‌النهرین (میانرودان) بخش شرقی هلال حاصل‌خیز (Fertile Crescent) از قدیمی‌ترین سرزمین‌هایی است که انسان به کشاورزی دست یافت و یکجانشین شد و تمدنی درخشان را پایه گذاشت.

برقراری کشاورزی نیازمند یک نظام آبیاری منظم در این دشت گسترده بین دجله و فرات بود. از زمان سومریان (حدود ۲۵۰۰ پیش از میلاد) دولت‌شهرهایی در این سرزمین پدید آمدند که هر کدام تحت یک حکومت مستقل که در آن بالاترین مقام دینی و حکومتی در اختیار یک نفر بود اداره میشدند زیگورات هم‌زمان نیایشگاه شهر و محل رتق و فتق امور حکومتی و اداره جامعه بود. در دولت‌شهرهای بین‌النهرین حضور زیگورات شاخص‌ترین علامت حضور انسان در دشتی بی‌کران بود که در مقیاس عظیم مسلط به شه رو ساکنان آن یک چشم‌انداز مصنوع را پدید می‌آورد.

علاوه بر آن دشت آن رفتی عظیم میان دجله و فرات توسط دخالت انسان در چشم‌انداز طبیعی موجود تبدیل به گستره‌ای از مزارع و باغستان‌ها و کانال‌های آبیاری شده بود که همچون یک فرش زمردین این دشت عظیم را پوشانده بود و شهرها با بناهای ساده خشت و گلی به همراه حصار و دروازه‌شان در این گستره پراکنده شده بودند و آنچه از آن‌ها به صورتی چشمگیر در چشم‌انداز سرسبز منطقه حضور معمارانه خود را ابراز می‌کرد زیگورات بود.

بنای این عناصر چشم‌انداز مصنوع در این منطقه یکی زیگورات و حوزه پیرامونی آن (شهر) بود. دیگری مزارع و باغستان‌ها و سومی شبکه‌ای از کانال‌های آبیاری که علاوه بر سیراب کردن مزارع و باغ‌ها به منظور رفت و آمد و حمل‌ونقل نیز استفاده می‌شدند. گفته می‌شود که طرح باغ‌های بین‌النهرین متأثر از این چشم‌انداز سبز و مجموعه کانال‌های آبیاری آن در یک نظام هندسی در دشتی مسطح به ناچار مربع مستطیل‌هایی با محورهای عمودی آب در داخل‌شان بوده‌اند.

با توجه به موقعیت منطقه مصب این دو رودخانه (که نهایتاً در نزدیکی خلیج فارس به هم می‌پیوندند) در حوزه سواحل خلیج فارس که امروزه از مناطق خشک است نخستین چشم‌انداز طبیعی شامل نهرها و جویبارهایی که به دریا می‌ریختند همراه با بیشه زارها و چراگاه‌های انواع حیوانات تقریباً در پایان دوره یخبندان متأخر پدید آمده بودند و آنجا را به زیستگاهی هم‌چون بهشت عدن تبدیل کرده بودند. در تورات راجع به بهشت عدن چنین آمده است: خداوند در شرق عدن باغی را احداث کرد - یک رودخانه از عدن خارج می‌شد تا باغ را آبیاری کند این رودخانه به چهار شاخه منشعب می‌شد شاخه چهارم آن رود فرات بود. گویا این سابقه طبیعی زمینه‌ای برای پیدایش باغ‌ها و چراگاه‌های انسان‌ساز در این محیط بوده است در دوره تمدن بین‌النهرین که نخستین شهرهای آن در نزدیکی همین منطقه شکل می‌گیرند (اور شوش) نخستین شکارگاه‌ها به همراه کوشک‌هایی در آن‌ها پدید می‌آیند.

باغ‌های بین‌النهرین به صورت مربع مستطیل و محصور بوده‌اند و کانال‌های آبیاری در آن‌ها در یک نظام هندسی طراحی می‌شدند برخی درختان آن‌ها از مناطق دور دست به این باغ‌ها آورده می‌شدند.

شهر اوروک دومین دولت‌شهری بود که در دلتای دجله پدید آمد و چنانکه در حماسه سومری گیل‌گمش شرح داده شده است: یک سوم آن شهر است یک سوم باغ و یک سوم مزارع به همراه محوطه اختصاصی ایزد بانوی اشتر (ایشتر).

به نظر میرسد این باغ‌ها پیش از مزارع به وجود آمده بودند و چنان‌که در نقش برجسته جام فلزی اوروک مشاهده می‌شود گویا نظم خاص و وجه تشکیل آنها هدفی بیش از اهداف کشاورزی و محصول برداری را دنبال می‌کرده است. این گمان حاکی از منشأ اعتقادی و فرهنگی ایجاد باغ‌ها است که گویا بر منشأ اقتصادی آن سبقت دارد هم چنان‌که در سایر تمدن‌های باستانی خواهیم دید که چنین است^۱

علاوه بر باغ‌های احداث شده در دشت نقوش برجسته آشوری نمایشگر بعضی دژهای کوهستانی با باغ‌هایی در آن‌ها است که شاید مشابه باغ‌های کوهستانی مادها (ده دژهایشان) و الهام بخش باغ‌های معلق بابل بوده‌اند.

باغ‌های معلق بابل: علاوه بر حدسیات مبهم دیرینه‌شناسی راجع به باغ‌های بین‌النهرین شهرت باغ‌سازی در این تمدن عمدتاً مدیون توصیفات است که از باغ‌های معلق (حداقل معلقه) بابل که یک دولت‌شهر بسیار دیرپا در کنار فرات بوده است این توصیفات در متن باستانی (از کتاب دانیال نبی تا تاریخ هروودوت) و متون دوران اسلامی قرار دارد و در آن جا این باغ‌ها راجزء عجایب هفتگانه جهان برشمرده‌اند.

تشریح باغ‌های معلق بابل از لغتنامه دهخدا:

حدائق معلقه بابل یا حدائق معلقه سمیرامیس در بابل قدیم یکی از عجایب هفتگانه جهان است و حدائق معلقه هفت باغ بودند یکی از بردیگر منسوب به بابلیان در انجمن یساتین و یاغات و چمن حدائق و جنات که هریک بهشت را به حقیقت از نزهت و خوشی چشم و چراغ است. (ترجمه محاسن اصفهان‌آوی).

ایران باستان:

شاهنشاهی هخامنشی بزرگ‌ترین حکومت دنیای باستان است که قلمرو آن از مرزهای یونان تا حدود چین گسترده شده بود. چنانکه دیدیم در پایان دوران یخبندان قدیمی‌ترین چشم‌انداز طبیعی و حیات وحش در مصب دجله و فرات در کناره‌های خلیج فارس که یکی از حاشیه‌های فلات ایران است زیستگاهی همچون بهشت عدن را پدید آورده بود که جمعیت اندکی از بشر دوران کهن سنگی در آن زندگی می‌کردند. (Landscape of Man).

^۱ راپاپوت در کتاب منشأ فرهنگی مجتمعات زیستی به نام تقدم علل فرهنگی بر علل اقتصادی در شکل‌گیری شهرها و روستاها تأکید دارد.

علاوه بر آن در داخل فلات ایران آثار تمدن‌هایی با قدمت هفت هزار سال و شاید بیش‌تر به جای مانده است که اطلاعات کمی از آن‌ها به دست آمده و راجع به چشم‌انداز مصنوع و باغ‌سازی در آن تمدن‌ها تا کنون مدارکی به دست نیامده است. آریایی‌ها اقوام مهاجری بودند که از حدود شش هزار سال پیش (نیمه هزاره چهارم پیش از میلاد - ۳۵۰۰ ق.م.) به تدریج به فلات ایران مهاجرت کردند. این اقوام با فرهنگ و اساطیر و خاطرات خود در ایران استقرار یافتند و با فرهنگ بومی در آمیختند.

طبق اساطیر ایرانی جمشید نخستین پادشاه آریاییان، به دستور خداوند نخستین شهر را برای پناه دادن مردمان خود از سرمای جانکاهی که پیش‌بینی شده بود می‌سازد که آن را ورجم کرد نام‌گذاری کردند. آن چنان که در اساطیر آمده و فردوسی آن را در شاهنامه توصیف کرده است این شهر در واقع زیستگاهی بوده هم‌چون باغ بهشت با یک انتقام هندسی شامل خیابان‌ها و نهرهای آبیاری و دارای انواع درختان و گیاهان و از هر جانور یک زوج در آن گرد آورده شده بودند و در میان چنین باغی خانه‌ها برای مردمان ساخته شده بودند.

در نظر آریایی‌ها میترا (مهر) ایزد نور و گرما و آناهیتا ایزد بانوی آب‌ها و سرچشمه حیات به همراه مرتات (امرداد) - خدای نامرگی و فرمانروای بر گیاهان - و هروتات خدای سلامت و جاودانگی، محافظان باغ‌ها بودند.

باغ به این ترتیب در نزد ایرانیان باستان دارای مرتبه‌ای از تقدس بود.

به غیر از آب که از عناصر چهارگانه و نزد ایرانیان مقدس بوده است، از دیگر نمادهای تقدس در روی زمین و در نزد ایرانیان یکی درخت است (هم‌چون بسیاری از اقوام باستانی دیگر) که نماد زندگی - مرگ و تولد نو است، درخت هم‌چنین نماد محور جهان و درخت سرو نماد حیات جاودانه است که نقش استریلیزه شده آن به صورتی که ما آن را به نام بته جقه می‌شناسیم، در هنرهای تصویری ایرانیان جایگاه خاصی داشته است.

دیگر تقدس عدد چهار است به مناسبت عناصر چهارگانه و جهت اربعه که نقش مهمی در طرح کالبدی باغ‌های ایرانی هم‌چنان که در طرح شهرها - داشته است.

در نزد ایرانیان باستان - همچون بسیاری از مردمان دیگر - سلطنت نماد قدرت الهی در روی زمین و شاهان دارای فره ایزدی بودند، و همان‌طور که نام شهر و ساخت آن و کارکرد آن نسبت مستقیم با شاه، و شاهی در ایران دارد، باغ‌های ایران باستان - از زمان هخامنشیان که بنیانگذار شاهنشاهی ایران بودند - باغ نیز نسبت مستقیم با تقدس و فره شاهانه داشته و شاهان باغ‌ها را احداث می‌کرده‌اند.

باغ‌های هخامنشیان: باغ‌های ایران باستان را پادشاهان بنا می‌کردند و با دست خود به احداث و نگهداری آن‌ها می‌پرداختند آن‌چنان که مورخان یونانی از این امر شگفت زده بودند.

ظاهراً باغ‌های هخامنشیان بر دو نوع بودند:

۱- باغ‌های مستقل^۱ محصور با کانال‌های آبی که باغ را به چهار بخش تقسیم می‌کردند و کوشکی در وسط آن‌ها که محل اقامت موقت و استراحت و احياناً برگزاری برخی مراسم بود. ۲- باغ‌های مکمل مجموعه قصرهای سلطنتی با همان هندسه برگرفته از

^۱ - در اشعار فارسی - به ویژه شاهنامه یا خمسه نظامی - همواره باغ با حضور ایوان توصیف شده است.

- این گونه مکانیابی را عموماً در باغ‌های ایرانی که تاکنون به جای مانده‌اند داریم.

- باید دقت کرد که واژه تشریفاتی که از زبان‌های خارجی ترجمه شده با توجه به فرهنگ و نوع شاهنشاهی ایرانیان دال بر مکان‌هایی است که در آن‌ها تشریفات، آداب و مراسم آیینی انجام می‌گرفته است این فضاها شامل کاخ‌ها و باغ‌ها می‌شده‌اند که هم‌زمان عملکرد آیینی آن‌ها دو جنبه درهم آمیخته حکومتی - مذهبی را در خود داشته است.

با توجه به تأخیر دوپست ساله در نوشته اسکندرنامه‌ها نمی‌توان همه مطالب آن‌ها را یکجا پذیرفت، مثلاً امروز بحث است که پادشاهان هخامنشی را طبق آیین زردشتی در سینه کوه‌ها در دخمه‌ها دفن می‌کردند (نمونه مقابر تخت سلیمان در پاسارگاد). بنابراین این روایت جای شک دارد شاید بنایی غیر از مقبره (شاید معبدی) با این توصیفات وجود داشته است. هم‌چنان که امروز در عملکرد اصلی بنایی که به نام مقبره کوروش در پاسارگاد شناخته شده است شک و تردید وجود دارد. (با توجه به عملکرد زیارتی و نام مقبره مادر سلیمان - مربوط به دوران اسلامی - و نیایش زنان به نیت باروری در این مکان، دکتر باستانی پوریزی باور دارد که این بنا احتمالاً یک نیایشگاه ناهید - ایزدبانوی باروری - وده است.

نظام آبیاری که در مجموعه پاسارگاد نمونه اولیه آن پیدا شده و به نظر می‌رسد ادامه آن می‌بایست در تخت جمشید هم بوده باشد.

اولین باغ هخامنشی که مدارک باستان‌شناسی آن به دست آمده است. باغ کورش در پاسارگاد است اما به نظر می‌رسد پیش از او کمبوجیه در اطراف ایوان وسیعی که محل قصرش بوده باغ یا باغ‌هایی را احداث کرده بوده است. (۵۵۵۹ تا ۶۰۰ پ.م.). این ایوان پشت به رشته کوه‌ها و رو به چشم‌اندازی زیبا از دشتی حاصلخیز داشته است که رودهایی از آن عبور می‌کرده‌اند و به این ترتیب به خودی خود یک چشم‌انداز طبیعی ایده‌آل برای احداث مجموعه کاخ‌ها و باغ‌های سلطنتی بوده است.

شواهد تاریخی گویای این امر است که کمبوجیه مجموعه‌ای از کاخ‌ها را ساخته بود که توسط باغ‌های تشریفاتی احاطه شده بودند. بعداً کوروش پسر کمبوجیه و بنیان‌گذار شاهنشاهی هخامنشی ایوان و باغ خود را در این مجموعه بنا نهاد. (ر. ک. صص ۳۷ تا ۳۹، کتاب باغ ایرانی). اولین باغ ایرانی که تا امروز مدارک باستان‌شناسی آن به دست آمده است همین باغ کوروش در پاسارگاد است (۵۴۶ پ.م.) (ر. ک. صص ۴۰، همان) الگوی ایوان و باغ‌های کوروش که قاعدتاً همان الگوی ایوان و باغ‌های کمبوجیه بوده است چنان است که می‌توان براساس فرض آن را به تخت جمشید هم تعمیم داد و اثبات این فرضیه البته منوط به پیدا شدن آثار باغ‌ها در این مجموعه سلطنتی است. (صص ۴۴، همان)

یک مصداق اولیه از نمونه باغ‌های سلطنتی که مستقل از مجموعه کاخ‌ها بودند - با کوشکی در میانشان - شاید باغی باشد که مقبره کوروش را در برمی‌گرفت است. براساس شرح یکی از اسکندرنامه نویسان در قرن اول میلادی. «مقبره کوروش در منطقه پاسارگاد و در پارکی سلطنتی قرار داشت که با بیشه‌ای از انواع مختلف درختان احاطه شده بود. این بیشه آبیاری می‌شد و چمن‌های زیادی در این دشت زویده بود. (صص ۴۵، همان)

پرسپولیس: ترکیبی است از معماری و چشم‌انداز طبیعی و به احتمال قریب به یقین وجوه گستره‌ای از باغ‌های ایرانی در این مجموعه سلطنتی بسیار محتمل است.

همان‌گونه که ایوان‌ها در کاخ‌های کمبوجیه و کوروش رو به باغ بودند و بعدها نیز این الگو در دوره ساسانیان تکرار شده است، ممکن است که ایوان کاخ آپادانا هم رو به چشم‌انداز باغی بوده باشد همان‌گونه که محتمل است کل صفت تخت جمشید هم به مجموعه‌ای از چشم‌اندازهای طبیعی و نیز باغ‌ها مشرف بوده باشد.

جمع‌بندی

گرچه به وجوه باغ‌های مسطح مستطیل شکل با تقسیمات هندسی توسط نهرهای آب هم در تمدن بین‌النهرین اشاره شده و هم مشابه آن را در تمدن باستانی مصر سراغ داریم اما آن تفکر و باوری که باغ‌های ایرانی بر مبنای آن بنا شدند متفاوت با باورهای شکل دهنده باغ‌های مصری و حتی شاید بین‌النهرینی بوده‌اند. تفکری که نام مادی باغ ایرانی گویای آن است:

تقدس باغ‌های ایرانی در شاهنامه:

| | |
|---------------------------|-----------------------------|
| یکی شهر دیدم که اندر زمین | نبیند دگر کس به توران و چین |
| زبس باغ و ایوان و آب روان | برآمیخت گفتی خرد با روان |
| چو گنج فرنگیس دیدم ز دور | چو گنج گهر بود به میدان سور |

پردیس: لغت مادی که به صورت پراندنز (پرا = پیرامون، اطراف) و (دلز = دز، دژ) به معنی جایی که دورش دیوار دارد. این واژه در زمان هخامنشیان به زبان یونانی و لزد و از آن به زبان‌های اروپایی راه یافته است (paradise) و در همه جا و تا به امروز به معنی بهشت به کار می‌رود. هم‌چنین این واژه به متون یهودی و نیز عربی رفته (فردوس) و باز هم به معنی بهشت به کار برده می‌شود. در متون زردشتی نیز از بهشت به همین نام یاد شده است و در نزد ایرانیان این باغ‌ها نماد زمینی بهشت آسمانی یا جهان مینوی بوده‌اند.

پردیس در لغتنامه دهخدا: پردیس لغتی است مأخوذ از زبان مادی (پارادلزا) به معنی باغ و بستان و از همین لغت است پالیز فارسی. کزنفون گوید: در هر جا که شاه (هخامنشی) اقامت کند و به هر جا که رود همیشه مراقب است تا در همه جا باغ‌هایی باشد

پر از چیزهای زیبا که زمین می‌دهد. این باغ‌ها را پردیس (به یونانی پارادیسوس) می‌نامند. اگر هوا مانع نباشد شاه اکثر اوقات خود را در این گونه باغ‌ها به سر می‌برد. اردشیر دوم در شوش این جمله را نقش کرده است: «اردشیرشاه گوید: به فضل اهورامزدا این قصر پردیس زندگی را من ساختم. اهورامزدا و مثره (مهر) مرا از هر بدی بپایند و آن چه را که کرده‌ام نگاه دارند.»

باغ و بستان در لغتنامه دهخدا: بستان و روضه، مشترک است در عربی و فارسی ... محوطه‌ای که نوعاً محصور است و در آن گل و ریاحین و اشجار مثمر و سبزی‌آلات و جز آن‌ها غرس و زراعت کنند ... در پهلوی، باغ ... سغدی: باغ ... گیلکی: باک ... نطنزی: یاگ ... و ...

باغستان: جایی که باغ بود، جایی که باغات بسیار در آن بود. و نیز: قریه بیستون را بدین اسم گفته‌اند = باغستان ... باغستان یا بهستان = بیستون، به معنی جایگاه خدایان، خانه خدا ... چون ایرانیان فراز کوه هازا برای ستایش خدا مناسب می‌دانستند این کوه مرتفع را جایگاه نیایش خدا نامیدند.

اگر باغ و بغ هم ریشه باشند آن چنان که در ترکیبات به جای هم استفاده شده‌اند، این می‌رساند که باغ‌های ایرانی همچون کاخ‌ها نوعی نیایشگاه و فضاهای انجام مراسم آیین بوده‌اند. یعنی باغ‌های ایرانی همچون شهرها و قصرهای ایران باستان از یک شأن مقدس و عملکرد معبد گونه برخوردار بوده‌اند این گونه است که همچون هر معبدی در هر باوری، تمثیلی از جهان مینوی در روی زمین به شمار می‌رفته‌اند.

– پادشاهان هخامنشی تنها دو قرن سلطنت کردند اما شکل باغ‌هایشان و نجوای الهی‌شان در تمام باغ‌های ایرانی که از آن پس بنا شد باقی ماند.

اشکانیان و ساسانیان:

به دنبال مرگ اسکندر، در ۳۳۳ پ.م، ایران به دست سرداران او افتاد که با نام سلوکیان از ۳۱۲ تا ۵۰ پیش از میلاد در ایران حکومت می‌کردند، با روی کار آمدن پارت‌ها و تأسیس دولت اشکانی که از شمال شرق ایران به قدرت رسیدند، فرمانروایی سلوکیان به پایان رسید و به تدریج تأثیرات فرهنگ یونانی هم در ایران کم رنگ شد. اشکانیان قریب یکصد و شصت سال در ایران فرمانروایی کردند.

هنر پارت‌ها به تدریج از هنر یونانی دوری گزید. کاخ‌های پارت‌ها همچون کاخ‌های هخامنشیان بر روی سکوه‌های سنگی (تخت) بنا می‌شد و توسط باغ‌ها و شکارگاه‌ها احاطه شده بود. ایوان با تاق قوسی یادگار معماری پارت‌ها و سبک خراسانی است که تا به امروز در معماری ایرانی حضور دارد. ایوان‌های رو به باغ هخامنشیان بر اساس ستون سنگی و تیر چوبی مشرف به باغ‌های شاهی بودند و اکنون ایوان‌های کاخ‌های پارتیان و نیز ساسانیان با فرمی متفاوت ناشی از مصالح خشت و گل و آجر با دیوارهای باربر و تاق‌های قوسی باز هم مشرف به باغ‌ها هستند. نمونه‌های آن تاق کسری تیسفون و مجموعه کاخ - باغ‌های ساسانی (کاخ اردشیر اول) در فیروز آباد فارس است (ص ۴۸ همان). آثار بیستون نیز که مربوط به دوره ساسانی است در کوهی مشرف به یک پارک طبیعی و احیاناً مجموعه‌ای از باغ‌های سلطنتی بوجود آمده بوده است.

تیسفون: ادوارد گیبون شرحی دارد راجع به کاخ خسرو پرویز دوم که در کنار دجله و در مجموعه‌ای از باغ‌ها و شکارگاه‌ها ساخته شده بوده است.

تاق کسری در تیسفون نمونه دیگری است (نقشه ص ۱۴، همان). این ایوان یا یکی از تالارهای آن با فرش بهارستان «بهار خسرو» که زمینه زمردین با نقوش جواهرنشان و تار و پود ابریشم ورز داشته و نقش یک باغ ایرانی را مجسم می‌کرده است پوشیده می‌شده است، این فرش گویا در زمستان‌ها مورد استفاده بوده و یادآور باغ‌ها در تابستان برای خسرو بوده است. در واقع گویی کف تالار به کمک این فرش نماد گنبد آسمان بوده که همچون یک planetarium امروزی با نقش ماه و ستارگان که از طلا و نقره و جواهرات بودند (نماد جهان مینوی و آسمان) مهمانان در بار ساسانی را به شگفتی وامی‌داشته است.

در شاهنامه داستان خسرو یک کاخ ساسانی به نام «تاق‌دیس» به تفصیل شرح داده می‌شود که گنبد آن نماد آسمان بوده گویا توسط مغان و براساس علم ستاره‌شناسی ساخته شده بوده است به نحوی که صور فلکی در آن حرکت می‌کرده‌اند و ... به هر حال

آنچه در پی علوم جدید و با نام پلانتریوم امروزه در کشورهای غربی می‌سازند، گویا با نام زیبای تاق‌دیس، در ایران ساسانی ساخته می‌شده است.

گرچه با حمله اعراب این باغ - کاخ‌ها ویران و غارت شدند، اما ماهیت مقدس این باغ‌ها که نه تنها تباینی با باورهای مسلمانان نداشت بلکه از وحدتی درونی با آموزه‌های اسلامی نیز برخوردار بود، باعث شد این الگو نزد ایرانیان و مسلمانان برقرار ماند، چنانکه در طول تاریخ تمدن اسلامی و در پهنه گسترده آن از اسپانیا تا هند این تفکر و این الگوی مقدس توسط مسلمانان (عمدتاً با ابتکار ایرانیان فرهیخته و به دست هنرمندان و معماران ایرانی) تحت عنوان باغ اسلامی ساخته شد و اشاعه یافت.

جمع‌بندی و نتیجه

راز تداوم باغ‌سازی ایرانی را باید با توجه به جهان‌شناسی ایرانیان و تفکر و باورهای نهفته در پس ظواهر فرمال آن، که بی‌شبهت با باغ‌های مصری یادشاید بین‌النهرین هم نیست، جستجو کرد در عین حال که باید اندیشید این تفکر و باورها چگونه با محیط و اقلیم همساز بوده‌اند که تبلور عینی آن‌ها آثار هنری، معماری و باغ‌سازی با یک بیان و معنای ویژه است. با وجود این که باغ در تمام فرهنگ‌های باستانی از مفهومی نمادین براساس باورهای متافیزیکی برخوردار بوده است. اما با توجه به تنوع فرهنگ‌ها و تنوع محیط طبیعی، در بررسی انواع این باغ‌ها و نیز باغ‌هایی که براساس تفکرات دنیایی پدید آمده‌اند، گاه با مشابهت‌های ظاهری و تفاوت‌های معنایی و گاهی نیز با قرابت‌های معنایی و تفاوت‌های ظاهری (فرمال) روبرو هستیم، بنابراین اهمیت دارد که در شناخت و تحلیل باغ‌سازی در دوران‌های پیش از مدرن و پس از آن به پیش زمینه فکری و نظری احداث آن‌ها توجه داشته باشیم تا با تأمل در آن بتوانیم به درستی ظواهر را - فرم، فضا، عناصر تشکیل دهنده و عملکرد و ... به درستی تحلیلی کنیم.

به طور مثال: باغ‌های ایرانی همچون باغ‌های شنی و سنگی ژاپن در واقع نقیض محیط طبیعی پیرامون خود هستند و نه امتداد آن محیط، گویی می‌خواهند دیالوگی را در طبیعت و زیستگاه انسان برقرار سازند. این نقض ظاهری محیط پیرامون در واقع چیز جز یک همزیستی رمزآلود با محیط نیست. در حالی که باغ‌های اروپایی از رنسانس به بعد (که شاید بتوان این زمان را مبدأ سنت امروزی باغ‌سازی غربی دانست) علی‌رغم پیوندی که به نظر می‌رسد با پیرامون خود دارند، درواقع نمادی از قهر و غلبه و سلطه بر طبیعت هستند.

نوع رابطه باغ ایرانی با طبیعت، در نظر اروپاییان شرق‌شناس غالباً به درستی ادراک نشده است چون باغ‌های آن‌ها حتی در نظام کاملاً هندسی باروک هم درنهایت به نظام طبیعی محیط پیرامونشان می‌پیوندند و به ظاهر یک همخوانی با طبیعت پیرامون را القا می‌کنند؛ این تداوم چشم‌انداز در باغ‌های غربی (چه کلاسیسیستی و چه رمانتیستی) بیانگر مفهومی است که در همان فرهنگ قابل ادراک است و انقطاع چشم‌انداز در باغ‌های ایرانی است نیز یک مفهوم عمیق است که از نظر ناآشنایان به فرهنگ ایرانی قابل درک نیست.

این انقطاع از محیط پیرامون را به نوعی دیگر در باغ‌سازی ژاپنی هم ملاحظه می‌کنیم، در این دو فرهنگ، باغ نمادی از تقدس است و به این جهت حریم مشخص دارد و بیان متناقض آن نسبت به محیط، گویای حضور باغ در زمین به عنوان تمثیلی از یک عرصه فرازمینی است. در حالی که باغ‌های غربی حتی در نوع رمانتیکی‌شان هم یک بیان زمینی از احساسات انسان‌های زمینی هستند.

باغ‌های مصری:

قدیمی‌ترین منابع تصویری باغ‌سازی جهان مربوط به تمدن مصر باستان است. مصر یک سابقه استثنایی و تأثیرگذار در سنت باغ‌سازی دارد.

در دو نوار آبرفتی و حاصلخیز ساحلی نیل که شدیداً با صحراها و کوهستان‌های خشک اطراف در تضاد است، نظام آبرسانی باعث شد تا کشت سبزیجات در تمام طول سال امکان‌پذیر باشد و پرورش نخل و درختان میوه به عنوان منابع غذایی و نیز فراهم آوردن سایه‌سارها رایج شود.

در سرزمین مصر هیچ چشم‌انداز سبز طبیعی وجود نداشته است، هر آنچه بوده کشتزارها و باغستان‌هایی بوده که در زمین‌های آبرفتی دو سوی نیل به دست انسان پدید آمده است، دو نوار سرسبز که در تضاد شدید با منظر خشک صحراهای اطرافشان بودند. باغ‌های اشراف مصری که امروزه چیزی از آن‌ها باقی نمانده است غنی از درختان متنوع میوه و سبزی‌ها و گیاهان دارویی، با انتظامی هندسی در درون دیوارهایی در یک فرم مستطیلی در این بستر سبز احداث می‌شدند. این بستر سبز که توسط بناهای عظیم معابد در ساحل شرقی و مقابر عمدتاً در ساحل غربی نقطه‌گذاری شده بود، خود چشم‌انداز ویژه سرزمین مصر را پدید آورده بود.

بحث‌هایی از اهمیت عمومی باغ‌ها در بیوگرافی‌های کوتاه سران بلند مرتبه دوران پادشاهی کهن (۲۳۵۰ تا ۲۱۵۰ پ.م) وجود دارد این مباحث یک زندگی ایده‌آل را در شکلی با انتظام کاملاً هندسی در باغ‌ها تشریح می‌کردند. رود نیل و طلوع و غروب خورشید منشأ پیدایش یک تفکر فلسفی راجع به مرگ و زندگی در نزد مصریان بود و تأثیر آن در انتظام فضای معماری، و باغ‌سازی و نیز نظم قاطع هندسی در تمام هنرهای مصری براساس محور طولی و تقارن نسبی نسبت به این محور مشهود است.

در مصر باستان، باغ‌ها نیز مانند معابد بیش‌تر معطوف به زندگی پس از مرگ بودند درعین حال که کاربرد این جهانی نیز داشتند. اطلاعات راجع به این باغ‌ها از نقوش و تصاویر و متون به دست آمده از درون مقابر بزرگان و اشراف مصری استخراج شده‌اند. این اطلاعات نشانگر استاندارد بالای زندگی اشراف مصری است، و بیانگر این اصل است که صاحب مقبره این باغ را می‌ساخته است تا پس از مرگ روح او که بین دنیای مینوی و جهان زمینی واسطه است، همچون دوران زندگی از گردش در آن محفوظ شود. یک نمونه از باغ مصری: چنان که در تصویر مشاهده می‌کنید باغ محصور در دیواری است و در داخل به قسمت‌های کوچک و بزرگی توسط پرچین‌های کوتاه خنثی یا آجری تقسیم شده است. در کنار کانال آبرسانی و مسیری که در سایه درختان ایجاد شده و به موازات یک دیوار باغ است. ورودی باغ در وسط دیوار و در ابتدای محور تقارن باغ تعبیه شده، یا سر در معماری شده که شامل غرفه مسکونی دربان است. در امتداد ورودی روی محور تقارن، محوطه تاکستان و در انتهای محور بنایی چند طبقه دارد که ساختمان اصلی باغ است. در دو طرف محور تقارن، حوض‌های آب که در آن‌ها ماهی‌ها و مرغابی پرورش داده می‌شدند و محدوده‌هایی از درختستان‌های متنوع وجود دارند که شامل گل‌ها و گیاهان متنوع و انواع نخل و درخت‌ها و درختچه‌ها هستند. در دو طرف محور تقارن در انتها غرفه‌هایی مشرف به منظر باغ به چشم می‌خورند.

۵-۱ باغ‌های یونان باستان

یونان باستان شامل سرزمین اصلی پلوپونز مجمع‌الجزایر اژه و ساحل غربی آناتولی می‌شود. اتمسفر شفاف و ملایم آفتاب درخشان و باران‌های رگباری شدید و مقطعی و آب و هوای معتدل مدیترانه‌ای از ویژگی‌های سرزمین اصلی یونان است که عمدتاً کوهستانی و یا سواحل مضرس مناسب ایجاد شهرهای بندر گاهی بوده است. این سرزمین دشت‌ها وسیع مناسب کشاورزی و تولید غلات ندارد در قرن ششم پیش از میلاد آتن در این سرزمین شکوفا می‌شود سرزمینی که دیگر توان برآوردن نیازهای غذایی مردمان خود را ندارد محصولات بومی که زیتون انجیر و انگور است همراه مواد معدنی صادر می‌شوند تا از سرزمین‌های مجاور غلات وارد شود.

شهرهای یونانی عمدتاً در ساحل دریا در شیب کوهستان‌ها استقرار یافته بودند. چشم‌انداز طبیعی یونان شامل کوه‌ها تپه‌ها و جزایری است که هر جلگه یا دشت کوچک در آن برای خود یک *genius loci* را دارد. در این سرزمین باغ‌سازی یا در حد حیاط‌های *patios* کوچک شخصی بوده است و یا باغستان‌های میوه که بدون حصار بوده‌اند برخی چشم‌اندازها و بعضاً باغستان‌های ا چشمه سارهای مقدس بوده‌اند و یا باغ‌های آموزشی آکادمی‌ها را نیز می‌توان نام برد - افلاطون به طور اخص دریافته بود که یک منظر به نظم درآمده با آموزش یک رابطه هم‌خوان و مناسب دارد - این باغ‌ها که جنبه عمومی یا نیمه عمومی داشته‌اند در سطوح باریک در شیب کوهستان‌ها و تپه‌ها ساخته می‌شدند.

در حوزه معماری شاخص یونان هیچ بنایی مسلط به چشم‌انداز به آن سان که چشم‌انداز به تبع آن به نظم درآید نبوده است بلکه اصل در هم‌نوایی بنا با چشم‌انداز کاملاً وحشی و خشن پیرامون بوده است نخستین اقدامات برای طراحی منظر به عنوان یک

فضای معنوی در حد کمال به نظم درآمده از زمان فلیپ مقدونی آغاز شد که نهایتاً به منظر طراحی شده ماتریالیستی در تمدن روم باستان منجر گردید.

۲-۵ باغ‌های رومی

در روم باستان عمدتاً با باغ‌های خصوصی و منظرپردازی در منازل شخصی روبرو هستیم. در خانه‌های اشرافی رومی آتریوم ATRIUM یک مدخل و فضای نیمه عمومی برای خانه بود که با حوض آب و احیاناً گل و گیاه به سان یک نورگیر و نیز فضای تقسیم برای اتاق‌های اطراف استفاده می‌شد. در این خانه‌ها یک حیاط خلوت به نام پریستیل PERISTYLE وجود داشت که فضای خصوصی اهالی خانه بود و یک تم مذهبی داشت با محرابی برای خدایی محلی و شامل مجسمه‌ها چشمه و فواره و آیتما و باغچه که یه کشت سبزیجات یا گیاهان مقدس (گیاهان همیشه سبز) - مربوط به باکوس و ونوس - اختصاص داشت. این حیاط با رواق‌هایی portico از اتاق‌ها جدا می‌شد دیوارهای این فضای رواقدار یا نقاشی منظرپردازی می‌شد به نحوی که تداوم فضای سبز طبیعی به شمار می‌رفت. گیاهان لوکس و تزئینی که وحدت بخش هنر معماری و طبیعت بودند بستری معنوی را به وجود می‌آوردند.

در پایان سده دوم پیش از میلاد بنابر منابع مکتوب پارک‌ها و باغ‌های بزرگ زیاد بودند. باغ‌های زینتی را در روم باستانی topiaritrm می‌نامیدند که از ریشه topia به معنی باغ و topiary به معنی باغبانی.

باغ‌های اشراف رومی که در خارج از محیط شهری ساخته می‌شدند به نام ویلا - villa - های رومی معروفند از ویژگی این ویلاها قرار گرفتن بر روی تپه و اشراف بر مناظر اطراف بود. از معروفترین آن‌ها ویلا آدریانوس است که اتصال و مفصل‌بندی مناسبی با معماری دارد عنصری که امروزه می‌توان آن‌ها را عناصر معمارانه منظر نامید هم‌چون تراس‌ها رواق‌های - poricos - مستقل و انتزاعی و غرفه - کوشک - های منفرد و پراکنده در منظر و فواره‌ها و آب نما از ویژگی‌های این ویلا بودند. می‌گویند آریانوس باغ‌ها را با استفاده از آنچه در سفرها دیده بود می‌ساخت:

کانال آب etmipus و محوطه گردشگاهی promenade به شکل استادیوم‌های یونانی و حمام و تالار موسیقی (Odeon)Odeum به سبک تئاترهای یونانی اما سرپوشیده آپارتمان‌هایی برای مهمانان و سربازها فضاهای سرویس و غرفه (پاوین)هایی تزئین شده با آثار هنری چون مجسمه‌ها با موزاییک کاری‌ها و نقاشی و سایر تزئینات همه در این باغ گرد آمده بودند. گشادگی باغ به اطراف و دو عین حال محصوریت مسکن‌ها بیانگر تضاد عملکردی بین محرمیت در فضاها و گستردگی و اشراف در فضای باز مسلط به پیرامون است.

۳-۵ باغ‌های قرون وسطا:

در مورد باغ‌های قرون وسطا دانش اندکی داریم، چون اولاً باغی بجای نمانده و ثانیاً تصاویر قابل اعتماد محدود هستند و غالباً این تصاویر متعلق بقیه بعد از این دوران‌اند. در حالی که باغ‌های رومی بهتر مستند شده‌اند و تحقیقات باستانشناسی و کشف موزاییک‌های منقوش به این دانش کمک کرده است.

در قرون وسطا باغ عمدتاً در رابطه با horticulture (باغبانی) بنا شده است گروهی از باغ‌ها در دیرها و به همین منظور در جهت تامین مواد غذایی دارویی و نیز اهداف مقدس پدید آمدند.

گروهی دیگر باغ‌ها و پارک‌هایی برای تفریح و شادمانی بودند - pleasure gardens - که paradise lodges از مشخصات این پارک‌ها بود، این باغ‌های محصور شاید نخستین بار توسط یک سقف و به دنبال جنگ‌های صلیبی به اروپای قرون وسطا راه یافتند در مجموع انواع باغ‌ها در قرون و طرا را به صورت زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱- یک نوع از باغ‌سازی که در زندگی دیرنشینی - Monasticism - قرون وسطا ظاهر می‌شود به نظر می‌رسد تأثیر باغ‌های ایرانی - paradise - که توسط مسلمانان به اسپانیا رسیده بود در پیدایش این باغ‌ها در دیرها - ctoisters - وجود داشته است.

۲- نوع دیگر باغ‌های قرون وسطا باغ‌های محصور معمولی و یومی بوده‌اند.

- ۳- نوع سوم باغ‌های مصر - قلعه‌ها - castle gardens بودند که با باغچه‌هایی در ارتفاع و فواره‌ها و آلاچیق‌ها - kiosk یا pergola - به نظر می‌رسد تحت تأثیر باغ‌های مسلمان در اسپانیا به وجود آمده بودند و جنبه اشرافی و تفریحی داشته‌اند.
- ۴- باغ‌های شکار گاهی که در محوطه‌های جنگ‌های طبیعی در خدمت فتودال‌های قرون وسطا بودند.

۴-۵ باغ‌سازی اسلامی

تا به هر حیوان و نامی بنگرند

یعنی در حقیقت هر حیوان و نبات و موجود زنده‌ای مشمول باغ حسن‌الهی است. این تشبه عالم خلقت به باغ آن هم باغ حسن‌الهی نوع نگاه مسلمانان به زیبایی و ارزش معنوی آن را بیان می‌دارد و هم چنانکه خلقت تصویری از باغ حسن‌الهی است باغ نیز تمثیلی از بهشت و جهان مینوی است. بهشت و باغ‌های سرسبز آن که در قرآن کریم توصیف شده است با انهاری که در آن‌ها جاری است و همه گونه اشجار و نباتات که در آن است به کدام نمونه زمینی شباهت دارد و خداوند اعراب را از طریق کدام نمونه زمینی آشنا به محاسن بهشت دعوت می‌کند؟ اعراب بادیه نشین دوران جاهلیت در آن صحرای برهوت که بجز واحدهایی خرد که هیچ شباهتی با این توصیفات ندارند و در آنجا هیچ نشانی از چنین باغ‌هایی نبوده است با این بهشت موصوف چگونه ارتباط عینی برقرار می‌کنند؟ گویی خداوند در قرآن برای ترسیم غایت زیبایی‌ها و نیکی‌ها که در بهشت است یک نمونه عینی را برگزیده که می‌توانسته است غایت آرزوی اعراب باشد. وقتی از جنات فردوس سخن می‌گوید گویی همان پارادیزهای ایرانی را مثال می‌زند که در همسایگی اعراب پدید آمده بودند قرآن بهشت را هم‌چون باغی در عایت کمال و حسن توصیف می‌کند همان چیزی که تصویر و نمونه عینی آن را ایرانیان براساس باورهای دینی خود به عنوان نماد بهشت و مجمع جمیع زیبایی‌ها و محاسن در زمین بنا کرده بودند.

اکنون این مسلمانان‌اند که راه را ادامه می‌دهند و باغ‌ها را براساس آنچه در قرآن در توصیف بهشت آمده است دیگر باره روی زمین بنا می‌نهند تا یادآور ریاض حسن ربانی باشند.

در باور مسلمان منشاء هر حیوان و نبات و هرچیز دیگر که در عالم خلقت است باغ حسن‌الهی است. این بدان معنی است که منشاء ویستر اولیه همه نوع زیبایی به باغ تشبیه شده و این خود بیانگر مرتبه متعالی باغ در نزد مسلمانان است و دیگر این که هرچه زیبا و نیک است از اوست حال اگر در روی زمین مکانی فراهم آوریم که زیبایی‌ها و برکات الهی را که در طبیعت است در آن یکجا جمع کنیم، این مکان تمثیلی از آن باغ متعالی خواهد بود.

یازهای روزمره مادی در یک اقلیم خاص بلکه در پی معانی و مفاهیم عمیق آرمانی فرهنگ این مردم شکل گرفته است.